



نواندیشی «زنان مسلمان نواندیش» در چیست؟

هفته گذشته «زنان مسلمان نواندیش» به دیدار حجت‌الاسلام محمد خاتمی رفتند. خاتمی هم این همه مشکلاتی را که به ویژه درباره حقوق زنان وجود دارد فراموش کرده و به یاد زنان دوران پهلوی افتاد که «محرومت مضاعف» داشتند! اینکه در جمهوری اسلامی که زن و مرد از محرومیت «چندضاعف» رنج می‌برند، کسی از «محرومت مضاعف» زنان دوران پهلوی بگوید یا باید خیلی بی‌خبر باشد یا بی‌خیال و یا دروغگو! خاتمی در سخنرانی غزای خود برای «زنان مسلمان نواندیش» درباره دلیل مخالفت روحانیت مرتجع و خمینی با اصلاحات شاه که یکی از آنها حق رأی زنان بود برخلاف اسناد و مدارک موجود آشکارا دروغ گفت. خاتمی در همین سخنان نیز مجبور است بگوید: «حق رأی دادن و رأی گرفتن زنان بعد از انقلاب با وجود همه اختلاف نظرها به رسمیت شناخته شد» زیرا خمینی با حق رأی زنان مخالف بود و اگر چه نتوانست آن را مانند حق پوشش اختیاری زیر پا بگذارد. در واقع بسیاری ساز و کارهای مدنی به دلیل سابقه‌ی پنجاه ساله به جمهوری اسلامی تحمیل شدند. وگرنه حکومت کنونی ایران ضدزن است؛ فرقی هم نمی‌کند که این زن مسلمان نواندیش یا کهنه‌اندیش و یا غیرمسلمان باشد!

در این دیدار، پس از چند ابراز فضل درباره دیکتاتوری معلوم می‌شود درد خاتمی از چیست: شبکه‌های اجتماعی که از خدمات «رضاخان» می‌گویند! وی با اعتراف به اینکه «رضاخان» خدماتی نیز انجام داده یادآوری می‌کند که «بزرگترین مصیبت این است که رضاخان دیکتاتور بود!» آیا کسی هرگز در جایی خوانده یا شنیده که پادشاهان پهلوی ادعای دموکراسی کرده باشند؟! با این همه خدماتشان به کشور به گفته‌ی دوست و دشمن چنان است که پس از چهل سال تغییر نظام و بیش از هفتاد سال که از مرگ رضاشاه می‌گذرد، جمهوری اسلامی که نه تنها مدعی دموکراسی و مردمسالاری است بلکه فکر می‌کند بهترین دموکراسی جهان است، مجبور می‌شود سخنرانی‌های توجیهی علیه شیخ پهلوی‌ها راه بیندازد!

خاتمی سپس با زدن به صحرای گریزهای مبارزه مسلحانه و ملت و شهروند و چیزهای دیگر اینقدر صغرا و کبرا می‌چیند تا برسد به اصلاحات! «اصلاحات ضد براندازی است. ما می‌گوییم جمهوری اسلامی پیاده شود یعنی هم اسلام را طوری بفهمیم که سازگار با معیارهای جمهوریت باشد و هم جمهوریت را طوری بفهمیم که با ارزش‌های اساسی اسلام سازگار باشد.» این «طوری بفهمیم» همان رشته‌ی مشترکی است که حلقه‌های زنگ‌زده و پوسیده‌ی فداییان اسلام و اخوان‌المسلمین و بوکوحرام و داعش و القاعده و وهابیان و جمهوری اسلامی را به هم پیوند می‌دهد و چون طوق لعنت به گردن جوامع مسلمان آویزان شده است.

حالا آیا یکی از آن «زنان مسلمان نواندیش» به این فکر کرده که چرا اصلاً «جمهوری» در کشوری با این همه تنوع فرهنگی و عقیدتی، باید بر اساس «ارزش‌های اساسی اسلام» باشد؟! حتی در کشوری که جمعیت‌اش صد درصد یک مذهب داشته باشند باز هم مردمانش دارای عقاید متعدد و متنوع هستند! به همین دلیل در «جمهوری» که متکی بر توده مردم و فارغ از تفاوت‌های قومی و مذهبی و نژادی و عقیدتی آنهاست، دین از حکومت و دولت جداسازی «جمهوری» و «اسلامی» ناقض یکدیگرند؛ حالا خاتمی هر طور که دلش می‌خواهد آنها را بفهمد! اگر این پرسش بنیادی برای «زنان مسلمان نواندیش» مطرح نیست، پس آنها در چه زمینه‌ای «نواندیش» هستند؟!

با برجام یا بی برجام نظام جمهوری اسلامی مشکل ایران و منطقه است

● تا قبل از خروج آمریکا از برجام نیز دولت‌های اروپایی نتوانستند بانک‌های مهم خود را راضی به همکاری با جمهوری اسلامی ایران بکنند، چه رسد به حالا و به ویژه پس از ۴ نوامبر آینده که قرار است تمام تحریم‌های آمریکا باز گردند



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

کاهش فجیع ارزش پول ملی ایران



در این رابطه نیز مانند بسیاری موارد دیگر مردود بوده و نه تنها نظام پولی و بانکی نتوانسته ارزش پول ملی را حفظ کند بلکه آن را به طرز فجیع کاهش داده است. کاهش ارزش پول ملی ایران به عنوان روندی ثابت در چهار دهه گذشته همواره ادامه داشته اما در سال‌ها و مقاطع مختلف شتاب آن متغیر بوده است.

در بند «ب» ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «هدف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است.» این قانون و قوانین دیگر پولی و بانکی جمهوری اسلامی در حالی روی کاغذ بر حفظ ارزش پولی تاکید می‌کنند که عملکرد جمهوری اسلامی

اردهک شل روحانی، آغاز فروپاشی سیاسی

در صفحه ۱۸

در این شماره می‌خوانید:

- صفحه ۳ ● بلومبرگ: فروش نفت و بحران بانکی: اقتصاد ایران بعد از خروج ترامپ از برجام راه نجات دارد؟
- صفحه ۴ ● آتش زدن پرچم آمریکا در صحن مجلس شورای اسلامی
- صفحه ۵ ● تبلیغات داعشی حاتمی‌کیا: حمله هنروران «به وقت شام» به مردم در پردیس کورش
- تک مضراب - آوازه
- صفحه ۶ ● خاتمی: زنان در دوران پهلوی محرومیت‌های مضاعفی داشتند
- صفحات ۸ و ۹ ● ترامپ طرح تغییر رژیم در ایران را بررسی می‌کند
- صفحه ۱۲ ● دوقرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۶۸) - احمد احرار
- کجا می‌توان بهم رسید؟ - داریوش همایون
- صفحه ۱۳ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۴ ● نگاهی به زندگی سیاسی، خاطرات و... دکتر علی امینی (۵)
- صفحه ۱۵ ● «گوادلوپ-۲» در واشنگتن؛ طرح تغییر رژیم ایران کلید خورده است؟
- صفحه ۱۶ ● ترامپ طرح تغییر رژیم در ایران را بررسی می‌کند

مسابقات تنیس استادان مادرید؛
 پیروزی نادال و شاراپوا، حذف جاکوویچ
 عیوض جهانبخش آقای گل لیگ هلند
 کپروش:
 برای جام جهانی بازیکنان تیم‌های آسیایی و آفریقایی به‌آماده‌سازی بیشتر نیاز دارند
 جام ملت‌های آسیا:
 ایران در گروه کشورهای جنگ‌زده
 معصومه ابتکار:
 حضور خانم‌ها در ورزشگاه‌ها در دستور کار دولت
 کشتار ۹۰ اسب کولبران در فقدان قانون منع حیوان‌آزاری
 در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684

Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید!

کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london

email: ads@kayhan.london

با برجام یا بی برجام نظام جمهوری اسلامی مشکل ایران و منطقه است

● تا قبل از خروج آمریکا از برجام نیز دولت‌های اروپایی نتوانستند بانک‌های مهم خود را راضی به همکاری با جمهوری اسلامی ایران بکنند، چه رسد به حالا و به ویژه پس از ۴ نوامبر آینده که قرار است تمام تحریم‌های آمریکا باز گردند

با اعلام خروج آمریکا از «برنامه جامع اقدام مشترک»، درگیری‌های نظامی میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل در خاک سوریه شدت گرفتند. سپاه قدس که در مقابل حملات قبلی اسرائیل واکنشی از خود نشان نداده بود، بلافاصله پس از تصمیم دونالد ترامپ چند راکت به سمت مواضع نظامی اسرائیل در بلندی‌های جولان پرتاب کرد. واکنش اسرائیل به این راکت‌پراکنی‌ها بلافاصله و بسیار گسترده بود. به گفته مقامات اسرائیلی، کلیه تاسیسات نظامی تحت اختیار سپاه در خاک سوریه، مورد حمله موشکی این کشور قرار گرفتند. البته کارشناسان نظامی و سیاسی در منطقه معتقد هستند که ابعاد این درگیری‌های نظامی فعلا در همین سطح خواهد ماند زیرا نه اسرائیل قصد استفاده از نیروهای زمینی را دارد و نه سپاه و حزب‌الله لبنان در حال حاضر از چنین امکانی برخوردارند. البته سایه حملات هوایی احتمالی اسرائیل به مواضع حزب‌الله در جنوب لبنان و حتا برخی مواضع نظامی یا اقتصادی در خاک ایران، بر سر این بحران سنگینی می‌کند. برخی رسانه‌های اسرائیلی حتا فراتر رفته و به امکان حمله هوایی به بندرعباس یا جزیره خارک و ترمینال بارگیری نفتکش‌های ایرانی اشاره می‌کنند. البته حسین سلامی جانشین فرمانده سپاه تاکید می‌کند که «دشمن به هیچ عنوان گزینه نظامی علیه ایران را انتخاب نخواهد کرد» زیرا به ادعای او «امنیت انرژی جهان» در دست جمهوری اسلامی ایران است.

جنگ اقتصادی

جنگی که به زودی فروکش نخواهد کرد و بدون شک در هفته‌های آینده گسترش خواهد یافت، در میدان اقتصاد است. تصمیم دونالد ترامپ مبنی بر خروج آمریکا از برجام و بازگرداندن تدریجی تحریم‌های کمرشکن، نه تنها جمهوری اسلامی ایران بلکه بسیاری از کشورهای اروپایی را نیز سخت نگران ساخته است. اروپا در وضعیت کنونی می‌تواند در برجام باقی بماند، ولی آیا خواهد توانست جمهوری اسلامی را نیز در این توافق نگاه دارد و نیازهایش را تامین کند؟

جمهوری اسلامی ایران در پیامد تغییرات بنیادی در سیاست خارجی‌اش تن به توافق هسته‌ای نداد. تنها هدف علی خامنه‌ای، زمانی که در اواخر دور دوم ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، برای مذاکرات با آمریکا، با وساطت سلطان‌نشین عمان، چراج سبز نشان داد، خروج از بحران اقتصادی ناشی از تحریم‌های اقتصادی بود. هنوز هم هدف اصلی رژیم ایران برای باقی ماندن در این توافق، بهره بردن از روابط اقتصادی با جهان غرب و اروپا است. روایتی که با بازگشت تحریم‌های آمریکا، اگر غیرممکن نباشند، حتما بسیار پیچیده و مشکل خواهد بود.

نا توانی اروپا

پتر آلتمایر وزیر اقتصاد آلمان بسیار واضح اعلام کرد که «اروپا هیچ راهی برای محافظت از شرکت‌هایش در مقابل تصمیمات آمریکا ندارد». ساشا لومان استاد اقتصاد در دانشگاه هاروارد توضیح می‌دهد «تا زمانی که بانک‌ها و شرکت‌های اروپایی برای معاملات خود از دلار استفاده می‌کنند، باید تابع قوانین آمریکا باشند و اگر تبعیت نکنند، باید پرداخت جریمه‌های بسیار سنگینی را بپذیرند، چنانکه در گذشته برخی از بانک‌های اروپایی چنین جریمه‌هایی را پرداخت کرده‌اند.»

مهرداد عمادی کارشناس اقتصادی ایرانی نیز با ساشا لومان هم‌نظر است و صحبت از «انجماد فعالیت‌های شرکت‌های اروپایی که با ایران رابطه اقتصادی دارند» می‌کند و می‌افزاید پس از پایان مهلت ۱۸۰ روزه آمریکا، بسیاری از آنها مجبور به قطع هرگونه رابطه‌ای با جمهوری اسلامی ایران خواهند شد. مهرداد عمادی این موقعیت را فرصت مناسبی برای چین و روسیه می‌داند که تنها کشورهای هستند که از خروج غربی‌ها از صحنه اقتصاد ایران حداکثر سود را خواهند برد.

ایران به دنبال تضمین‌های اروپا

محمدجواد ظریف دوشنبه آینده برای دیندار و مذاکره با وزرای خارجه آلمان، بریتانیا و فرانسه، و البته فدریکا موگرینی، مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا، به بروکسل سفر خواهد کرد. ماموریت محمدجواد ظریف بر مبنای بیانیه رسمی دولت حسن روحانی «گرفتن تضمین‌های لازم» از شرکای اروپایی برجام است. علی خامنه‌ای نیز دستور مشابهی را صادر کرده است و به دولت حکم کرده که «تضمین عملی بگیرید!» البته رهبر جمهوری اسلامی نیز دریافت چنین تضمین‌هایی را بعید می‌داند. ولی آیا شرکای اروپایی اصلا می‌توانند این چنین تضمینی بدهند؟ و اگر دولت‌ها نیز متعهد شوند، آیا قدرت لازم برای وادار ساختن نهادهای اقتصادی و بخش خصوصی برای ادامه همکاری و معاملات با جمهوری اسلامی ایران را دارند؟

تا قبل از خروج آمریکا از برجام نیز دولت‌های اروپایی نتوانستند بانک‌های مهم خود را راضی به همکاری با جمهوری اسلامی ایران بکنند،

با برجام یا بی برجام

نظام جمهوری اسلامی مشکل ایران و منطقه است

چه رسد به حالا و به ویژه پس از ۴ نوامبر آینده که تمام تحریم‌های آمریکا بر سر جای خود باز خواهند گشت. موسسات مالی و شرکت‌های بزرگ اروپایی سیاست‌های خود را مستقل از دولت‌ها تعیین می‌کنند، و این سیاست‌ها بر مبنای منافع اقتصادی‌شان تنظیم می‌شود. اگر هم بر فرض محال دولتی در اروپا بتواند بانکی را وادار به همکاری با جمهوری اسلامی ایران بکند، با اولین جریمه سنگین از سوی آمریکا، دیگران بلافاصله کنار خواهند کشید. جمهوری اسلامی امیدوار است که اروپا در هفته‌های آینده بتواند دونالد ترامپ را راضی کند که مانع همکاری شرکت‌های اروپایی با ایران نشود. اگرچه بسیار بعید می‌رسد که دونالد ترامپ در مقابل فشارهای اروپا عقب‌نشینی کند، زیرا از یک سو با چنین تصمیمی، تحریم‌ها اثرات مورد نظر را نخواهند داشت و از سوی دیگر با فرض اینکه خزانه‌داری آمریکا این روابط را نادیده بگیرد، آیا قضات آمریکایی که کاملا مستقل از دولت عمل می‌کنند، و این استقلال را بارها در ماه‌های گذشته با به چالش کشیدن فرمان‌های اجرایی دونالد ترامپ نیز نشان داده‌اند، ساکت خواهند نشست و تخلفات شرکت های اروپایی از قوانین کشورشان را نادیده خواهد گرفت؟

اروپا در کنار اسرائیل

انتقادهای کشورهای اروپایی از تصمیم دونالد ترامپ مبنی بر خروج آمریکا از برجام، با اما و اگرهای بسیاری همراه بوده است. امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه پس از مکالمه تلفنی با حسن روحانی، صحبت از «لزوم یک توافق تکمیلی» برای برجام می‌کند. اشتفن زایبرت سخنگوی دولت آنگلا مرکل بلافاصله پس از گفتگوی تلفنی صدراعظم آلمان با حسن روحانی تاکید می‌کند که در این گفتگو «حمله ایران به پایگاه‌های نظامی اسرائیل در جولان محکوم شده است». بوریس جانسون وزیر خارجه بریتانیا نیز ضمن محکوم کردن راکت‌پراکنی سپاه به جولان، از حملات اسرائیل به پایگاه‌های تحت اختیار ایران در سوریه با عنوان «حق دفاع» نام می‌برد. هر سه کشور در این روزها بارها به «نقش بی‌ثبات کننده جمهوری اسلامی ایران در منطقه» و لزوم «توقف برنامه‌های موشکی» این کشور اشاره کرده‌اند.

همزمان وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که مایک پمپئو در روزهای آینده مذاکراتی را با کشورهای اروپایی با هدف فشار بر جمهوری بلکه خود معلول سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران است. این بحران با برجام می‌توانست کاهش یابد به شرط آنکه زمینه‌های اجرای آن در کشور فراهم می‌آمد که مهم‌ترین آنها تأمین و تضمین امنیت سرمایه و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی است؛ و این ممکن نیست مگر با تغییرات بنیادی در سیاست‌های راهبردی کشور. نظام سیاسی حاکم بر ایران قادر به انجام چنین تغییراتی نیست زیرا به بر اساس حاکمیت ملی و منافع ملت و مملکت بلکه بر مبنای عقاید مذهبی و منافع اقتصادی گروه‌های خاص شکل گرفته است. چنین نظامی همواره بحران‌آفرین است و دیر یا زود در برابر جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی قرار می‌گیرد. در ایران نیز با وجود سرکوب شدید، این جنبش در خیزش مردمی دی‌ماه ۹۶ برای بار دیگر متبلور شد. خواسته‌هایی که از دی‌ماه گذشته به صورت روزانه در گوشه و کنار کشور، به اشکال مختلف، مطرح می‌شوند، تنها پاسخی که دریافت می‌کنند



اسلامی ایران جهت کشاندن مجدد این کشور به پای میز مذاکره، آغاز خواهد کرد. منابع وزارت خارجه آمریکا خوشبین هستند که مقامات اروپایی پس از واکنش حیثیتی به خروج یک‌طرفه آمریکا از برجام، مواضع سخت‌تری را نسبت به جمهوری اسلامی ایران اتخاذ خواهند کرد. این خوشبینی محافل سیاسی واشنگتن، مبتنی بر چند اصل است، که مهمترین آنها اقتصادی است. حجم معاملات اقتصادی- تجاری اروپا و آمریکا ۶۸ برابر تراز اقتصادی جمهوری اسلامی با کشورهای عضو اتحادیه اروپا است، بنابراین هرگز و هرگز کشورهای اروپایی این حجم از روابط اقتصادی با آمریکا را فدای حفظ برجام نخواهند کرد.

رو یای تفرقه میان اروپا و آمریکا

امید حجت‌الاسلام حسن روحانی به اینکه محمدجواد ظریف در تماس با کشورهای اروپایی بتواند بحران کنونی بین اروپا و آمریکا را تبدیل به شکافی کند که در نتیجه آن جمهوری اسلامی بتواند منافع خود را تامین کند، رویایی بیش نیست و هیچگونه شانسى برای موفقیت ندارد. شخص حسن روحانی در گذشته به این امر اعتراف کرده است. حسن روحانی در اردیبهشت ۹۲، هنگامی که هنوز «کاندیدای احتمالی» انتخابات ریاست

در بند «ب» ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «هدف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است.»

این قانون و قوانین دیگر پولی و بانکی جمهوری اسلامی در حالی روی کاغذ بر حفظ ارزش پولی تاکید می‌کنند که عملکرد جمهوری اسلامی در این رابطه نیز مانند بسیاری موارد دیگر مردود بوده و نه تنها نظام پولی و بانکی نتوانسته ارزش پول ملی را حفظ کند بلکه آن را به طرزى فجیع کاهش داده است.

کاهش ارزش پول ملی ایران به عنوان روندی ثابت در چهار دهه گذشته همواره ادامه داشته‌اما در سال‌ها و مقاطع مختلف شتاب آن متغیر بوده است.

معمولا برای تعیین ارزش پول ملی یک کشور ضریب تبدیل آن به ارزهای دیگر به ویژه ارزهای برتر مانند دلار، یورو، پوند و ین محاسبه و تعیین می‌شود.

این در حالیست که با توجه به اینکه اقتصاد ایران بر پایه فروش و صادرات نفت به دیگر کشورها و دریافت دلار پیش می‌رود در نتیجه اصولاً نوسان قیمت دلار در ایران مهمترین عامل در تعیین ارزش پول ملی کشور است. به این ترتیب مشخص است از دلار ۷ تومانی در سال ۵۷ تا دلار ۷۰۰۰ تومانی در سال ۹۷ ارزش پول ملی ایران به چه شکل فجیعی کاهش یافته است.

کارشناسان معتقدند دهه ۹۰ خورشیدی را می‌توان رکورددار افزایش بهای ارز و کاهش ارزش پول ملی در ایران دانست. در سال ۹۰ و با وضع تحریم‌های شدید اقتصادی علیه ایران، صادرات نفت به شدت کاهش یافت و تبادلات دلاری ایران مورد تحریم قرار گرفت. تنها در همان سال قیمت دلار در برابر ریال افزایشی ۱۱۶٫۵ درصدی داشت و ارزش سرمایه مردم ایران در آن دوران نصف شد؛ بسیاری ورشکسته شدند و رکود عمیقی بر اقتصاد ایران سایه افکند.

کاهش ۴۰ درصدی ارزش پول ملی در دولت دوم روحانی

از اواخر تابستان سال گذشته و پس از آغاز دور دوم دولت روحانی نیز روند کاهش ارزش پول ملی دوباره در مسیری پرشتاب افتاد و یک بار در اواخر زمستان و بار دیگر در نیمه دوم فروردین‌ماه این شتاب سرعت بیشتری یافت. با جهش ناگهانی قیمت دلار در بازار ایران، ارزش پول ملی تا ۴۰ درصد کاهش یافت؛ این بدین معناست که عملا یک میلیون تومان پول در جیب مردم در عرض چند هفته ارزشی معادل ۶۰۰هزار تومان پیدا کرد. کاهش ارزش پول ملی در ماه‌های گذشته آنقدر شدید بود که نه تنها موجب هشدار کارشناسان اقتصادی شد بلکه نگرانی گسترده‌ای را نیز در میان فعالان اقتصادی و همچنین مردم عادی ایجاد کرد. جدا از شعارهایی که حسن روحانی و رئیس بانک مرکزی به همراه دیگر دولتمردان درباره ذخایر ارزی کافی و اوضاع مناسب اقتصادی می‌دهند، افزایش بهای ارز و کاهش ارزش پول ملی ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکر سست اقتصاد کشور وارد آورده و خواهد آورد.

در حالی که روند اخیر افزایش نرخ ارز از دی ماه گذشته تا کنون از سوی دولتمردان به آینده برجام ربط داده می‌شد و مدام در این‌باره از دلایلی فراققتصادی و سیاسی و دامن زدن به جو روانی گفته می‌شد اما واقعیت اینست که در سال‌های گذشته نیز دولت‌های احمدی نژاد و روحانی تلاش کردند تورم را در قیمت ارز لحاظ نکرده و به صورت مصنوعی بهای آن را پایین نگه دارند تا بتوانند با کمتر کردن اختلاف میان دلار و ریال، ارزش پول ملی را در مقایسه با ارزهای دیگر قدرتمند نشان دهند. اما فتر فشرده شده بهای دلار از اواخر سال ۹۶ دوباره باز شد و سونامی شدیدی در بازار ارز و کل اقتصاد ایران ایجاد کرد که همچنان ادامه دارد. اکنون دیگر کارشناسان اقتصادی قادر به پیش‌بینی آینده‌ی بهای ارز و سقف افزایش آن در ماه‌های آینده نیستند اما در نهایت معتقدند روند افزایش بهای ارز همچنان ادامه خواهد داشت.

این در حالیست که خروج ایالات متحده از برجام و بازگشت تحریم‌های اقتصادی طی ماه‌های آینده، حتی در صورت ماندن اروپا در برجام، موجب

کاهش فجیع ارزش پول ملی

ایران

خواهد شد روزهای تلخ سال ۹۰ و فلج شدن اقتصاد ایران بار دیگر با شدتی بیشتر تکرار شود و ارزش پول ملی چندین پله سقوط کند.

موج بلند خروج سرمایه از کشور

روشن است که کم‌شدن ارزش پول ملی اثرات زیانباری بر اقتصاد می‌گذارد. یکی از این آثار منفی در تمایل سرمایه به خروج از کشور است. کاهش ارزش پول ملی و رکود عمیق اقتصادی موجب شده بسیاری از صاحبان سرمایه تصمیم به خروج سرمایه خود از ایران بگیرند تا از گزند بحران‌ناپذیر کاهش ارزش پول ملی در امان بمانند. برای نمونه اگر شخصی امروز معادل ۱۰۰ هزار دلار ریال دارد، سال آینده با کاهش ۲۰ درصدی پول ملی، بدون آنکه از مبلغ ریالی سرمایه‌اش کم شده باشد معادل ۸۰هزار دلار پول خواهد داشت و ۲۰هزار دلار زیان خواهد کرد. این محاسبه در حالی که پیش‌بینی‌ها از افزایش بحران‌های اقتصادی کشور در آینده‌ی نزدیک خبر می‌دهند موجی از خروج سرمایه در ایران ایجاد کرده است. خارج کردن سرمایه از کشور که بخش مهمی از آن اتفاقا توسط نهادهای و افراد وابسته به حکومت صورت می‌گیرد به نوبه‌ی خود به تشدید رکود، افزایش تورم و در نتیجه کاهش بیشتر ارزش پول ملی منتهی می‌شود.

فلج شدن تولید و تعمیق رکود

یکی دیگر از آثار منفی کاهش ارزش پول ملی بر حجم صادرات است. در حالی که از سوی برخی مقامات و کارشناسان وابسته به حکومت شنیده می‌شود که با افزایش بهای دلار که در واقع به کاهش ارزش پول ملی منجر می‌شود، صادرات افزایش می‌یابد اما با نگاهی به واقعیت آنچه در اقتصاد ایران وجود دارد مشخص می‌شود که اتفاقاً این روند به کاهش حجم صادرات وایجاد رکود بیشتر در بخش تولید منتهی خواهد شد.

واقعیت اینست که با کاهش ارزش پول ملی خرید مواد اولیه، ماشین‌آلات، مواد خام و مواد نیمه ساخته شده از خارج از کشور بسیار گران تمام می‌شود و در نتیجه فرآورده‌های داخلی نیز با قیمت بیشتری روانه بازار خواهد شد. در این حالت علاوه بر اینکه بازارهای خارجی از دست می‌روند، بازار داخلی نیز با رکود روبرو می‌شود. در این میان نگاهی به آمار گمرک نشان می‌دهد که ۷۰درصد واردات کشور شامل مواد اولیه و قطعات یدکی است و این یعنی آن حجمی از محصولات وارداتی به کشور قرار است گران شود که هزینه تولید را بالا می‌برد و بازار را دچار اختلال می‌کند.

از سوی دیگر با توجه به اینکه بخش تولید در ایران بیش از یک دهه است که به دلیل تحریم‌های خارجی و سیاست‌های اقتصادی داخلی به شدت آسیب دیده و زیرساخت‌های مناسبی ندارد، در نتیجه کاهش ارزش پول ملی در تامین تکنولوژی روز دنیا و مواد اولیه اثر خواهد گذاشت که پیامد آن پایین آمدن کیفیت اجناس است که با قیمت بالا عرضه می‌شوند؛ یک چرخه‌ی شیطانی که سبب می‌شود که اگر هم به فرض کالایی در ایران تولید شود، قابل رقابت با محصولات خارجی نباشد. به این ترتیب مصرف‌کننده نیز هر چقدر علاقمند به حمایت از تولید داخلی باشد، به دلیل همین چرخه که بر دخل و خرج مصرف‌کنندگان نیز تأثیر به شدت منفی می‌گذارد، تمایلی به خرید کالای داخلی ندارد.

این همه در حالیست که واردات کالاهای ارزان از کشورهایی چون چین و ترکیه در دست گروه‌های مافیایی وابسته به حکومت است. در سیاست اقتصادی نیز یک چرخه‌ی شیطانی در کار است که بازار را کنترل می‌کند و مردم، چه به عنوان تولیدکننده (سرمایه‌گذار و کارفرما نمی‌شود جز ارزان‌فروشی به روسیه و چین و چشم دوختن عاجزانه به دست اروپا به امید گشودن راهی که نظام جمهوری اسلامی، خود بزرگترین راه‌بندان آن است.

روشنگ آسترکی
مجموعه‌ی این شرایط نشانگر آن است که اقتصاد ایران به برکت ناتوانی‌های نظام جمهوری اسلامی در یک دور باطل افتاده و در حالی که بیش از پیش رو به فروپاشی می‌رود، هیچ چاره‌ی مؤثری از سوی زمامداران برای مهار این بحران ارائه نمی‌شود جز ارزان‌فروشی به روسیه و چین و چشم دوختن عاجزانه به دست اروپا به امید گشودن راهی که نظام جمهوری اسلامی، خود بزرگترین راه‌بندان آن است.

هر پنج روز یک حمله: هشت سپاهی در حمله هوایی اسرائیل به حومه دمشق کشته شدند



اولین تصویری که منابع غیررسمی از حملات اسرائیل به جنوب دمشق منتشر کردند

نظامی دیگر در حومه شهرهای حلب و حماه در شمال غرب و غرب سوریه را هدف قرار داد که یکی از این اهداف مقرر تیپ ۴۷ نیروهای دولتی سوریه بود و دیگری فرودگاه «النیرب» مستقر در کنار فرودگاه بین‌المللی حلب که مقرر پهپادهای «شاهد ۱۲۹» سپاه پاسداران بود. این همه در حالیست که سپاه با توجه به لاف و گزاف‌هایی که هم فرماندهانش و هم رهبر جمهوری اسلامی همواره سر داده است، حالا برای اقدام تلافی‌جویانه از سوی ولایت‌مداران به شدت تحت فشار است. «#انتقام سپاه»، «#انتقام شهدای تیغور»، «#انتقام میگیریم» و «#انتقام یگیرید» هشتگ‌هایی هستند که دلواپسان و ولایتی‌ها و حزب‌اللهی‌ها در فضای مجازی ساخته‌اند تا بلکه سپاه را در میدان واقعیت تکان دهند که وارد اقدامات انتقام‌جویانه علیه اسرائیل شود؛ اما تا کنون نتیجه‌ای نداشت و هشتگ «#صبر استراتژیک» به میدان آمد. در مقابل این تبلیغات در میدان جنگ روانی مجازی، کاربران منتقد و مخالف جمهوری اسلامی، بلوف‌های توخالی سپاه درباره تلافی و انتقام و... را با هشتگ «#انتقام بگیر_عمو بیبینه» سوزده کرده‌اند.

پزشکی اعلام کرد که دو غیرنظامی نیز در بین کشته‌گان شناسایی شدند. یک فرمانده نظامی طرفدار اسد پیش از این گفته بود جت‌های جنگنده اسرائیلی مواضع ارتش سوریه در جنوب دمشق را هدف قرار دادند اما هیچ تلفاتی نداشته است. رسانه‌های دولتی سوریه نیز پس از حملات سه‌شنبه گزارش دادند که پدافند هوایی سوریه دو موشک اسرائیلی را در آسمان هدف قرار داد. این چهارمین حمله در یک ماه گذشته علیه مواضع سپاه پاسداران در سوریه است و جمهوری اسلامی هنوز پاسخی بجز تهدیدهای لفظی به آنها نشان نداده است. حملات اخیر اسرائیل به مواضع سپاه پاسداران در سوریه روز دوشنبه، ۲۰ فروردین، با هدف قراردادن پایگاه التیغور (التیاس) شروع شد که طی آن دست‌کم هفت عضو سپاه کشته شدند. برخی منابع از کشته شدن ۱۵ نفر خبر دادند. ۲۵ فروردین، نیز پایگاه نظامی «جبل عزان» در حومه جنوبی حلب در شمال سوریه که مقر نیروهای سپاه است مورد حمله قرار گرفت و گزارش شد که تعدادی از اعضای سپاه در این حمله نیز کشته و زخمی شدند. ۱۰ اردیبهشت، اسرائیل سه پایگاه

● رسانه‌های اسرائیلی به نقل از منابع سوری امار تلفات حمله‌ی اسرائیل به الکسوه سوریه را دست‌کم ۱۵ نفر اعلام کرده‌اند. ● بطور میانگین اسرائیل هر پنج روز یک حمله به سپاه در خاک سوریه داشته است. ● سپاه برای اقدامات تلافی‌جویانه از سوی ولایت‌مداران و حزب‌اللهی‌ها به شدت تحت فشار است.

رسانه‌های اسرائیلی به نقل از منابع خبری سوری گزارش می‌دهند در حمله هوایی سه‌شنبه‌شب، ۱۸ اردیبهشت ۹۷، به جنوب دمشق دست‌کم ۱۵ نفر کشته شده‌اند که هشت تن از آنها اعضای ایرانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده‌اند. به گزارش روزنامه هارتس ارتش اسرائیل زمانی دست به حمله زد که پس از اعلام رسمی خروج آمریکا از توافق اتمی توسط دونالد ترامپ، اقدامات و تحرکات مشکوک نیروهای سپاه در خاک لبنان و سوریه در نزدیکی مرزهای اسرائیل آغاز شد. مرکزی که دیشب مورد هدف قرار گرفت پایگاهی در ۱۵ کیلومتری جنوب دمشق در منطقه الکسوه است که یکی از پایگاه‌های سپاه پاسداران در آن قرار داشت. ارتش اسرائیل اعلام کرده این حمله بخشی از اقدامات پیشگیرانه‌ای است که برای مقابله با هرگونه تهدید علیه تمامیت ارضی این کشور برنامه‌ریزی شده است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن تایید کرده که ۱۵ نفر از جمله هشت ایرانی در حملات دیشب، ۸ مه ۲۰۱۸، کشته شده‌اند. ناظران می‌گویند دیگر تلفات مربوط به شبه‌نظامیان وفادار به بشار اسد بوده است. خبرگزاری دولتی سوریه به نقل از منابع

بلومبرگ: فروش نفت و بحران بانکی؛ اقتصاد ایران بعد از خروج ترامپ از برجام راه نجات دارد؟



اعتراض طلاب به دولت حسن روحانی پس از خروج آمریکا از برجام

ایران را کوک می‌کردند. بومبرگ در گزارشی دیگر نوشته امارات یکی از مشتریان بزرگ میعانات نفتی ایران پس از خروج دونالد ترامپ از توافق اتمی و اعمال مجدد تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی نگران ادامه‌ی واردات از ایران است. شرکت ملی نفت امارات هر ماه حدود سه محموله میعانات (معادل بیش از ۱۰۰ هزار بشکه در روز) از ایران خریداری می‌کند و اگر با تحریم‌های آمریکا صادرات میعانات ایران محدود شود امارات برای تامین نیاز خود یا باید خطر مجازات‌های آمریکا را به جان بخرد یا برای تامین آن با کشور دیگری وارد معامله شود. تنگنای امارات آنجا بیشتر می‌شود که با وجود تنش در روابط دیپلماتیک با قطر، این دومین صادرکننده بزرگ میعانات منطقه گرفتار در دسره‌های بیشتری خواهد شد. سیف علی فلسی مدیر شرکت ملی نفت امارات هفته گذشته از اظهار نظر در مورد برنامه این شرکت در صورت تحریم صادرات میعانات ایران خودداری کرد. وی در پاسخ به این پرسش که آیا شرکت ملی نفت امارات برنامه‌ای برای انتخاب تامین‌کنندگان جایگزین دارد، گفت: «امروز نه». آخرین باری که آمریکا صنعت نفت ایران را هدف تحریم قرار داد، فروش نفت ایران به تمام کشورها به استثنای ۶ خریدار عمده را ممنوع ساخت. در آن زمان دویی خرید میعانات خود از ایران را کاهش داد، اما صادرات میعانات ایران به دویی قطع نشد، ضمن اینکه امارات بقیه نیاز خود را از قطر تامین می‌کرد. پس از تصمیم آمریکا به خروج از برجام، بخیط الرشیدی وزیر نفت کویت گفته کشورش با تولیدکنندگان عضو و غیرعضو اوپک برای کاهش تاثیر کمبود احتمالی نفت ایران همکاری خواهد کرد. عربستان هم اعلام کرده در صورت کاهش تولید نفت اوپک با افزایش تولید نفت به بازار کمک خواهد کرد.

به شرکت‌های خارجی برای پایان همکاری با جمهوری اسلامی بیشترین پیامدها روی فروش نفت ایران خواهد بود. ایران سومین تولیدکننده نفت اوپک است و در حال حاضر روزانه حدود ۲،۵ میلیون بشکه نفت خام و میعانات صادر می‌کند اما بومبرگ پیش‌بینی کرده با ادامه تحریم‌ها این میزان به ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یابد. بزرگترین خریداران نفت ایران، از جمله چین، احتمالاً مخالف خروج ایالات متحده از برجام هستند و به دنبال راه‌هایی می‌گردند که تحریم‌های ثانویه که شامل بانک‌ها، شرکت‌های حمل و نقل، پالایشگاه‌ها، شرکت‌های بیمه و بنادر و گمرکات است به شرکت‌های آنها که وابسته به سیستم جهانی اقتصاد هستند آسیب نرساند. آنها باید تلاش کنند تا اقتصادشان به خاطر معاملات با ایران آسیب نبیند و به ویژه آنکه عموم مبادلات در سیستم جهانی با دلار انجام می‌شود و ایران با محدودیت‌های زیادی در این زمینه مواجه است. حتی قبل از اینکه ترامپ از برجام خارج شود، ریال ایران به شدت در حال از دست دادن ارزش بود گرچه بانک مرکزی این کشور قول داده با بازار سیاه مقابله کند تا قیمت دلار کاهش یابد اما انجام این وعده موفقیت‌آمیز نبود. اگر درآمد نفتی ایران کاهش یابد و سرمایه‌گذاری خارجی تعطیل شود، قیمت انواع کالا و خدمات افزایش پیدا می‌کند. تورم ایران در سال ۲۰۱۳ حدود ۴۰ درصد بود که به تدریج کاهش یافت و به ۱۰ درصد رسید اما نرخ ۱۲ درصدی بیکاری باعث نارضایتی‌های اجتماعی در ایران شده است و بسیاری از صاحبان کسب و کار و مشاغل گرفتار ضرر و زیان و رکود هستند. بسیاری از مشتریان نفتی ایران در آسیا حتی پیش از خروج آمریکا از برجام ساز فاصله گرفتن از معامله با

● کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند با اعمال تحریم‌های ثانویه (۱۸۰ روزه) تولید نفت ایران از ۲،۵ میلیون بشکه در روز به ۵۰۰ هزار بشکه کاهش پیدا می‌کند. ● شرکت‌های اروپایی و آسیایی مجبورند برای آسیب ندیدن اقتصادشان از معامله با ایران خود را محافظت کنند. ● سیستم مالی و بانکداری ایران و بحران ارزی حاکی از تورم گسترده و افزایش قیمت‌ها در ایران است. ● خبر بد برای رژیم ایران عربستان وعده داده‌اند تحت هر شرایطی با افزایش تولید، کمبود احتمالی نفت را جبران خواهند کرد.

پس از خروج آمریکا از برجام برای رهبران جمهوری اسلامی هیچ چیز حیاتی‌تر از نجات اقتصاد و به حداقل رساندن پیامدهای منفی و خسارت‌های ناشی از تصمیم دونالد ترامپ نیست. پایگاه خبری بومبرگ در گزارشی نوشته در ایران نرخ ارز در حال سقوط است، نظام بانکی شرایط بدی دارد و بازگشت فزاینده تحریم‌ها سبب خواهد شد که شرکت‌های اروپایی نتوانند در ایران سرمایه‌گذاری کنند. درآمدهای نفتی ایران کاهش خواهد یافت، خزانه دولت خالی می‌شود و حسن روحانی رئیس جمهوری به مشکل روبرو خواهد شد و این در حالیست که او وعده داده بود به انزوای جمهوری اسلامی پایان دهد و اقتصاد کشور را احیا کند. بومبرگ به نقل از کارشناسان نوشته چند ماه آینده برای اقتصاد ایران بسیار بسیار سخت خواهد بود و اقتصاد جمهوری اسلامی دچار رکود شدید می‌شود. وضعیت زمانی بیشتر دشوار به نظر می‌رسد که دونالد ترامپ اصرار دارد برای مذاکره با جمهوری اسلامی باید مسئله موشک‌ها و پشتیبانی رژیم از تروریسم نیز حل و فصل شود و به این ترتیب موضوع به امنیت ملی آمریکا گره خورده است. همه اینها نکاتی است که اروپا نیز با آمریکا در آنها اتفاق نظر دارد ولی فکر می‌کند به شیوه دیگری می‌توان به این اهداف رسید.

بحران نفتی، پایان سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش تورم با پایان مهلت ۱۸۰ روزه ترامپ

دومین دیدار کیم جونگ اون و رئیس جمهوری چین



استقبال گرم رئیس جمهوری چین از رهبر کره شمالی در اولین دیدار وی در ماه مارس ۲۰۱۸

در واکنش به اظهارات ترامپ که نرمش و تمایل او را برای دیدار و گفتگوهای دو جانبه را نوعی ترس تلقی کرده بود انتقاد کرد و گفت این برداشت بسیار غلطی از دلیل انعطاف و علاقه ما به برقراری صلح و آرامش در منطقه و با ایالات متحده است.

در صورتی که دیگر کشورهای طرف مذاکره با کره شمالی سیاست‌های خصمانه و سلاح‌های هسته‌ای خود را در قبال پیونگ یانگ کنار بگذارند و امنیت ما را تهدید نکنند، کره شمالی احتیاجی به سلاح اتمی نخواهد داشت. رئیس جمهوری کره شمالی این هفته

رئیس جمهوری کره شمالی برای دومین بار در طول ۴۰ روز گذشته و پیش از دیدار با دونالد ترامپ در روزهای یکشنبه و دوشنبه در شهر بندری دالیان با شین پینگ رئیس جمهوری چین ملاقات و در زمینه‌های گوناگون از جمله درباره دیدار آینده خود با دونالد ترامپ گفتگو کرد و روز سه شنبه به پیونگ یانگ بازگشت. ساعتی پس از انتشار خبر پرواز رئیس جمهوری کره شمالی به چین دونالد ترامپ در توییتر خود نوشت که تلفنی با رئیس جمهوری چین درباره کره شمالی صحبت کرده. سفر کیم جونگ اون تا هنگام بازگشت از تایلند رسماً اعلام نشده بود.

کیم در دیدار با همتای چینی خود درباره برچیدن فعالیت‌های هسته‌ای آن کشور و درعین حال لزوم تنظیم یک طرح امنیتی برای شبه جزیره کره صحبت به میان آورد. گمان می‌رود اشاره رهبر کره شمالی به خروج تعدادی از سربازان آمریکا در کره جنوبی یا تمامی آنها بوده است. دونالد ترامپ اوایل این هفته گفت: باز گرداندن نیروهای آمریکایی از کره جنوبی جزئی از قرارداد صلح میان دو کره نیست. کیم گفت: امیدوارم از راه مذاکره و گفتگو بین کره شمالی و آمریکا اعتمادسازی شود. او اظهار امیدواری کرد که طرفین هم‌زمان، هم‌گام و هم‌نظر مسائل و مشکلات بین دو کشور را حل کنند تا نهایتاً به برقراری یک صلح فراگیر و رسمی در شبه جزیره کره دست یابند. دو کره شمالی و جنوبی همچنان در شرایط جنگی بسر می‌برند. اظهارات کیم با توجه به سخنان اخیر دونالد ترامپ در مورد خلع سلاح هسته‌ای فوری کره شمالی چندان دور از انتظار به نظر نمی‌رسد. کیم به رئیس جمهوری چین گفته

الجیر: اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد ما هم آن را تولید می‌کنیم



عادل الجبیر وزیر خارجه عربستان

مناسب واکنش لازم را نشان خواهد داد. وی افزود ما سعی داریم از درگیری مستقیم و پرهزینه خودداری کنیم اما اجازه نمی‌دهیم اینگونه رفتار و حرکات رژیم ایران ادامه پیدا کند. در همین حال دونالد ترامپ در توجیه خروج آمریکا از برجام توضیح داد: اگر اجازه می‌دادم آمریکا به این قرارداد

وزیر خارجه عربستان می‌گوید اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد ما نیز به هر قیمتی شده آنرا تولید خواهیم کرد و در شرایطی که حوثی‌ها در یمن موشک ایرانی به ریاض پرتاب می‌کنند و تنش میان دو کشور به اوج رسیده است، جمهوری اسلامی تهدید کرده به تلافی خروج آمریکا از برجام به دنبال تولید سلاح هسته‌ای خواهد رفت. عادل الجبیر به CNN که در این باره از او سوال کرده گفته اگر جمهوری اسلامی تهدید خود را در غنی‌سازی اورانیوم ۲۰ درصد و ساخت سلاح هسته‌ای عملی کند ما نیز در اسرع وقت خود را به این سلاح مجهز خواهیم کرد. او گفته موشک‌هایی که ریاض را هدف می‌گیرد، ایران در اختیار حوثی‌ها قرار می‌دهد. وی اضافه کرده که این کار جمهوری اسلامی غیرقابل قبول و خلاف قطعنامه سازمان ملل متحد در مورد ممنوعیت استفاده از موشک‌های دوربرد است. الجبیر هشدار داده عربستان در فرصت

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسؤلیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: **020-7760 7160**

www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

نمایندگان مجلس شورای اسلامی: آتش زدن پرچم آمریکا در صحن مجلس



● **رییس مجلس شورای اسلامی: آمریکایی‌ها از طریق سلطان قابوس پیام داده بودند که علاقمند به توافق با ایران هستند.**

● **پمپئو گفته واشنگتن با متحدان خود در اروپا و دیگر نقاط جهان برای جلوگیری از دسترسی ایران به سلاح اتمی منافع مشترکی دارد.**

● **رهبان سه کشور اروپایی در بیانیه‌ای اعلام کردند در برجام خواهند ماند. این در حالیست که شرکت‌های خارجی به دنبال امکانات دیگری غیر از ایران می‌گردند.**

گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در واکنش به خروج دونالد ترامپ از توافق اتمی در جلسه‌ی علنی مجلس شورای اسلامی که صبح چهارشنبه، ۱۷ اردیبهشت، برگزار شد پرچم آمریکا را به آتش کشیدند و به این ترتیب یک بار دیگر ثابت کردند که تظاهر به تفاهم و تمدن به معنای تغییر ماهیت نیست.

و البته متلک‌ها و کنایه‌های علی لاریجانی به این نمایندگان که پرچم آتش می‌زدند در نوع خود جالب توجه است که می‌گفت: «آتش هم نمی‌گیره»، «مراقب باشیید حالا مجلس رو آتش نزنید!»

علی لاریجانی با اشاره به اینکه رییس‌جمهور پیشین برزیل، لوئیس لولا علاقمند به نقش‌آفرینی در حل مسئله هسته‌ای ایران بود، گفت که او به همراه اردوغان به ایران سفر کردند و توافقی در موضوع هسته‌ای صورت گرفت، اما آمریکایی‌ها این توافق را نپذیرفتند، چرا که نمی‌خواستند جز خودشان فردی وارد مذاکره با ایران شود.

لاریجانی سپس با بیان اینکه آمریکایی‌ها از طریق سلطان قابوس پادشاه عمان پیغام دادند که علاقمند به توافق با ایران هستند، افزود: «ما در راستگویی آمریکایی‌ها تردید داشتیم؛ لذا به آمریکا گفته شد که ابتدا باید غنی‌سازی صلح‌آمیز ایران را ببندند و سپس وارد مذاکره شویم.»

علی لاریجانی ظاهراً روند طولانی مذاکرات هسته‌ای پس از افشای برنامه اتمی مخفی جمهوری اسلامی را فراموش کرده است که تقریباً همزمان با سرنگونی رژیم صدام در عراق در سال ۲۰۰۳ شروع شد. مذاکرات فرسایشی سه کشور اروپایی معروف به «تروئیکا» شامل فرانسه و آلمان و انگلیس هر بار ناکام می‌ماند و طرفین بر این تأکید می‌کردند که این مذاکرات بدون آمریکا پیش نمی‌رود. وقتی آمریکا با گفتگوهای پیدا و پنهان از جمله در زمان جرج بوش پسر پایش به مذاکرات اتمی باز شد و در دوران اوباما ظاهراً

معاون فرمانده کل سپاه: دیپلماسی جوابگو نیست، مقاومت تنها راه است!



حسین سلامی

کشور گفته ابراست که روسیه با تمام طرف‌ها در تماس است. سرهنگ جان اتان کونریکوس سخنگوی ارتش اسرائیل گفته عملیات اخیر یکی از مهمترین عملیات‌های ارتش اسرائیل در سال‌های اخیر علیه پایگاه‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است. اسرائیل هشدار داد که به عملیات خود علیه نیروهای نظامی رژیم ایران در سوریه ادامه خواهد داد. اما در ایران رسانه‌های حکومتی در بیان اینکه سپاه پشت این حملات بوده ابراز تردید نموده و چنین عنوان می‌کنند که «سوریه» یا «محور مقاومت» به سوی اسرائیل راکت پرتاب کرده‌اند! رسانه‌های وابسته در ایران که خط و خطوط خود را از نیروهای امنیتی و سپاهی دریافت می‌کنند ظاهراً در حال حاضر این وظیفه را نیز بر عهده گرفته‌اند که یک راه در رو برای اقدامات سپاه باز کنند و در عین حال مخاطبان و خبرگزاری‌های بین‌المللی را نیز به شک و شبهه بیندازند. حال آنکه خبررسانی واقعی در محل و از طریق منابع عربی و اسرائیلی صورت می‌گیرد و نه منابع مخدوش و دروغ‌پرداز جمهوری اسلامی.

در همین زمینه مشرق نیز نزدیک به سپاه ادعا کرده ۵۷ راکت به سوی اسرائیل پرتاب شده و تلویزیون اسرائیل می‌گوید ۴۰ فرزند بوده و اضافه کرده که در جریان حملات اسرائیل ده‌ها موشک توسط پدافند هوایی ارتش سوریه در آسمان شهرهای دمشق و قنیطره منهدم شد اما تعدادی از این موشک‌ها به یک انبار سلاح و سایت پدافند هوایی اصابت کردند.

اسرائیل در مقابل اعلام کرده است که ۴ پایگاه ارتش این کشور در جولان هدف قرار گرفته است. به گزارش اورشلیم پست، فارسی شهبانی عضو پارلمان سوریه در توییته نوشت: «ارتش سوریه (نه ایرانیان) ۵۰ موشک (نه ۲۰) را به چند هدف نظامی ارتش اسرائیل در جولان پرتاب کردند و اکثر موشک‌ها به اهدافشان اصابت کردند.» او همچنین در توییته دیگر تهدید کرده که وقت آن رسیده تل آویو از جولان عقب‌نشینی کند.

کشور گفته ابراست که روسیه با تمام طرف‌ها در تماس است. سرهنگ جان اتان کونریکوس سخنگوی ارتش اسرائیل گفته عملیات اخیر یکی از مهمترین عملیات‌های ارتش اسرائیل در سال‌های اخیر علیه پایگاه‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است. اسرائیل هشدار داد که به عملیات خود علیه نیروهای نظامی رژیم ایران در سوریه ادامه خواهد داد. اما در ایران رسانه‌های حکومتی در بیان اینکه سپاه پشت این حملات بوده ابراز تردید نموده و چنین عنوان می‌کنند که «سوریه» یا «محور مقاومت» به سوی اسرائیل راکت پرتاب کرده‌اند! رسانه‌های وابسته در ایران که خط و خطوط خود را از نیروهای امنیتی و سپاهی دریافت می‌کنند ظاهراً در حال حاضر این وظیفه را نیز بر عهده گرفته‌اند که یک راه در رو برای اقدامات سپاه باز کنند و در عین حال مخاطبان و خبرگزاری‌های بین‌المللی را نیز به شک و شبهه بیندازند. حال آنکه خبررسانی واقعی در محل و از طریق منابع عربی و اسرائیلی صورت می‌گیرد و نه منابع مخدوش و دروغ‌پرداز جمهوری اسلامی.

این مقام نظامی در حالی ادعا می‌کند گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی مطرح نیست که تا همین چند وقت پیش خیلی از به اصطلاح نخبگان جمهوری اسلامی پیش‌بینی کرده بودند آمریکا قادر به خروج از برجام نیست چون از تبعات نظامی و توان موشکی جمهوری اسلامی وحشت دارد! دونالد ترامپ اما تصمیم به خروج از برجام گرفت و با این کار هم تضاد و تناقض در جمهوری اسلامی را تشدید کرد و هم سپاه را به دردسر واکنش شتابزده در سوریه علیه اسرائیل انداخت. اینک وقوع یک جنگ تمام‌عیار در منطقه بیش از پیش محتمل شده است و شواهد نشان می‌دهد احتمال اینکه اسرائیل دست به عملیات پیشگیرانه در خاک ایران بزند کم نیست. امانوئل ماکرون در واکنش به حملات دیشب سپاه و واکنش ارتش اسرائیل خواهان تنش‌زدایی در خاورمیانه شده است. دفتر رییس جمهوری فرانسه در اطلاعیهای اعلام کرد که او دائم در جریان وقایع قرار می‌گیرد و «قرار است با انگلا مرکل صدراعظم آلمان درباره تحولات خاور میانه صحبت کند.»

روسیه نیز از درگیری مستقیم سپاه و اسرائیل ابراز نگرانی کرده و از هر دو طرف خواسته که جزییات مربوط به حملات موشکی در سوریه را ارائه دهند. میخائیل بوگدانف معاون سرگئی لاوروف وزیر خارجه این

● **سلامی می‌گوید، خروج از برجام و مباحث موشکی یک بهانه است و هدف تسلیم کردن «ملت ایران» است.**

● **روسیه و فرانسه از جمهوری اسلامی و اسرائیل خواسته‌اند به تنش‌ها دامن نزنند.**

● **فرماندهان سپاه هیچ واکنشی به درگیری در جولان نشان نداده‌اند و رسانه‌های حکومتی موشک‌پرانی‌های سپاه را به «مقاومت» نسبت می‌دهند.**

معاون فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساعاتی پس از درگیری نظامی سپاه و اسرائیل در ارتفاعات جولان سوریه گفته «امروز در بطن یک جنگ اقتصادی قرار داریم، از یک طرف آمریکا و اروپا و متحدانشان به دنبال محاصره اقتصادی هستند و از طرف دیگر فقر و مشکلات اقتصادی حمله کرده است و باید با الگوی جنگ در این میدان ایستادگی کنیم.»

به گزارش خبرگزاری فارس، حسین سلامی جانشین فرمانده کل سپاه پنج‌شنبه، ۲۰ اردیبهشت، طی سخنانی در استان سیستان و بلوچستان با اشاره به خروج آمریکا از برجام، گفته «خروج از برجام و مباحث موشکی یک بهانه است و هدف تسلیم کردن ملت ایران است و میدی به اینکه دیپلماسی بتواند راهی در برجام ایجاد کند.»

او تأکید کرده «راهی نداریم و آنچه در این جنگ اقتصادی مهم است، دیپلماسی نیست بلکه احیای شجره مقاومت است.»

پاسدار سلامی با تأکید بر اینکه اروپا نمی‌تواند از تبعیت سیاسی آمریکا خارج شود، تأکید کرد: «در هر کجا که با دشمنان بزرگ مواجه شده‌ایم آنجا پیشرفت کرده‌ایم، قدرت ما ز نبردهای سخت به دست آمده است.»

او در پایان پیش‌بینی کرد «دشمن به هیچ عنوان گزینه نظامی علیه ایران انتخاب نمی‌کند و راهکار دشمن

محسن هاشمی رفسنجانی درباره نجومی‌گیری مکارم حسینی: تخفیف گرفته ولی پس داده!

افشانی و حسینی مکارم اطمینان داریم، «محسن هاشمی رفسنجانی در حاشیه شصت و دومین جلسه شورا، روز سه‌شنبه، ۱۸ اردیبهشت، اعلام کرده که در جلسه هفته آینده شورا یعنی ۲۳ اردیبهشت شهردار تهران انتخاب می‌شود. شهردار آینده تهران به گفته محسن هاشمی رفسنجانی «باید ویژگی‌هایی از جمله کارایی بالا، انسجام شورا و شهرداری، نمایندگی اصلاح‌طلبی بخش قابل توجهی از جامعه و همچنین تعامل خوبی را با نظام حاکمیتی داشته باشد.»

حجت الله میرزایی، انصاری لاری و محمود حجتی پیش از این از فهرست ۷ نفره نامزدی شهردار تهران انصراف دادند و دو نامزد نهایی از بین ۴ نفر باقی‌مانده انتخاب شدند.

حسینی مکارم هفدهم اردیبهشت ماه در توضیح پرونده املاک نجومی به اعضای شورای شهر گفته است: «وقتی شما تعاونی مسکن ثبت‌نام می‌کنید و هیچ دخالتی در آن ندارید، نه در ثبت‌نام و نه اداره و نه در هیچ چیزش. ابتدا ۷۴ متر را گفتند ۲۰۰ متر و سپس ۱۳ میلیارد ریال را گفتند ۱۳ میلیارد تومان!» او گفته که پول واحد منزل را به صورت نقد و بر اساس قیمت تمام شده آن زمان پرداخت کرده و افزوده: «این جزو محسنات من است که قانونی ثبت‌نام کردم و اقدام کردم در تعاونی مسکن!»

حسینی مکارم هفدهم اردیبهشت ماه در توضیح پرونده املاک نجومی به اعضای شورای شهر گفته است: «وقتی شما تعاونی مسکن ثبت‌نام می‌کنید و هیچ دخالتی در آن ندارید، نه در ثبت‌نام و نه اداره و نه در هیچ چیزش. ابتدا ۷۴ متر را گفتند ۲۰۰ متر و سپس ۱۳ میلیارد ریال را گفتند ۱۳ میلیارد تومان!» او گفته که پول واحد منزل را به صورت نقد و بر اساس قیمت تمام شده آن زمان پرداخت کرده و افزوده: «این جزو محسنات من است که قانونی ثبت‌نام کردم و اقدام کردم در تعاونی مسکن!»

سمیع‌الله مکارم حسینی سرپرست فعلی و کاندیدای شهرداری تهران در توضیح به شورای شهر تهران در خصوص املاک نجومی گفته که «در سال ۸۵ وارد شهرداری شدم، یعنی زمانی که دولت احمدی‌نژاد آمد

● **مکارم حسینی: برخی اسامی حذف شد و نام مرا قرار دادند.**

● **نامزد شهرداری تهران می‌گوید از تخفیف استفاده نکرده و پول واحد منزل را کامل پرداخت کرده.**

● **۲۳ اردیبهشت شهردار تهران انتخاب می‌شود.**

در شرایطی که از دو نامزد نهایی صندلی شهرداری تهران، سمیع‌الله حسینی مکارم متهم به فساد مالی در پرونده املاک نجومی قالیباف است، رئیس شورای شهر تهران می‌گوید حسینی مکارم تخفیف گرفته شده را پس داده و هر دو گزینه شهرداری تهران پاک‌دست هستند!

پس از انصراف سه نفر از ۷ گزینه شهرداری تهران، در نهایت محمدعلی افشانی و سمیع‌الله حسینی مکارم برای دور نهایی انتخاب شهردار پایتخت رأی لازم را از شورای شهر تهران به دست آوردند. قرار است روز یکشنبه، ۲۳ اردیبهشت‌ماه، شهردار تهران مشخص شود. اما از بین این دو، سمیع‌الله حسینی مکارم که اکنون سرپرست شهرداری تهران نیز هست، در پرونده املاک نجومی قالیباف دخیل و از آن بهره‌مند بوده است. حالا، محسن هاشمی رفسنجانی رئیس شورای شهر تهران از در حمایت از مکارم حسینی در آمده و گفته که «مکارم تخفیف ۵۰ درصدی را پس داده است... ایشان از دادگاه حکم برائت دارند.»

رئیس شورای شهر تهران همچنین گفته که «در پاکدستی این دو گزینه،

پمپئو: اقدامات آمریکا صرفاً متوجه مسئله اتمی نیست
مایک پمپئو وزیر خارجه بریتانیا در بیانیه‌ای گفته «در حالی که ما از توافق با ایران خارج می‌شویم اما با هم‌پیمانان خود همکاری خواهیم کرد تا راه‌حلی واقعی، جامع و درازمدت برای تهدیدهای ایران پیدا کنیم.»

وزیر خارجه آمریکا افزوده واشنگتن با متحدان خود در اروپا و دیگر نقاط جهان «برای آنکه برای همیشه از دسترسی ایران به سلاح اتمی جلوگیری شود» منافع مشترکی دارد.

پمپئو همچنین گفت که اقدامات آمریکا صرفاً متوجه مسئله و تهدید ناشی از برنامه اتمی رژیم ایران نیست و واشنگتن می‌خواهد جلوی تهدیدهای ناشی از برنامه موشک‌های بالستیک و فعالیت‌های تروریستی تهران در سراسر دنیا و همچنین «فعالیت‌های شوم» جمهوری اسلامی در خاورمیانه را بگیرد.

پس از اعلام خروج آمریکا از برجام، رهبران بریتانیا، فرانسه و آلمان در بیانیه‌ای مشترک بر حمایت خود از توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران تأکید کردند و گفته‌اند، «این قطعنامه چارچوب حقوقی بین‌المللی قابل اجرایی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران محسوب می‌شود. ما از تمامی طرفین می‌خواهیم که در قبال اجرای کامل و عمل به روح مسئولیت‌های مشخص شده در برجام متعهد بمانند.»

در این بیانیه همچنین آمده «بر اساس اعلام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران همچنان به محدودیت‌های مشخص شده در برجام و مطابق با تعهدات خود در چارچوب توافق منع تسلیحات اتمی قائل است. این جهان در نتیجه این رویداد جایی امن‌تر است از همین رو ما سه کشور اروپایی همچنان در برجام باقی خواهیم ماند.»

ترزای، امانوئل ماکرون و انگلا مرکل جمهوری اسلامی را تشویق کرده‌اند که در واکنش به این تصمیم آمریکا خوشبینی کند اما تأکید کردند ایران باید به تعهدات خود در قبال برجام عمل کرده و با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کامل و بموقع داشته باشد.

سه کشور همچنین گفته‌اند «با توجه به اینکه تعهد ما در مقابل امنیت هم‌پیمانان و شرکای خود در منطقه خدشه‌ناپذیر است لازم است به دغدغه‌های مشترک درباره برنامه موشک‌های بالستیک و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران به ویژه در سوریه، عراق و یمن به گونه‌ای معنادار بپردازیم.» این موضوع جزو همان شرط و شروطی است که دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا برای باقی ماندن در برجام گذاشته بود. آتش زدن پرچم آمریکا در میدان آزادی توسط بسیجی‌ها ساعاتی پس از خروج ترامپ از برجام؛

استیون منوچین وزیر خزانه‌داری آمریکا گفته است که مجوزهای دو شرکت بوئینگ و ایرباس برای فروش هواپیمای مسافربری به ایران لغو خواهد شد.
رویترز گزارش داد پالایشگاه‌های نفتی آسیا (چین، هند، کره جنوبی) به دنبال جایگزین برای نفت ایران افتاده‌اند. کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند در کوتاه‌مدت تحریم‌های آمریکا بر تولید نفت ایران تأثیرات شدید خواهد داشت. تحریم‌های جدید احتمالاً شامل بخش‌هایی از صنعت نفت و گاز و حمل و نقل ایران خواهد بود و ظرف ۱۸۰ روز آینده تنظیم می‌شود.
کارشناسان انرژی به رویترز گفته‌اند صادرات نفت ایران به آسیا و اروپا قطعاً امسال و سال ۲۰۱۹ کاهش خواهد یافت، زیرا برخی کشورها به دنبال امکانات دیگری غیر از ایران برای عدم اصطکاک با مقررات تحریم‌های واشنگتن هستند.

پی نوشت: از سوپاپ‌های اطمینان تا عربستان «صعودی» و «محرومیت مضاعف» زنان در دوران پهلوی



در اینجا اهمیت پی‌نوشت بیش از متن است
پی‌نوشت یا همان پ‌ن، معروف، سری جدید گزارش‌های کوتاه‌ویدیویی کیهان لندن است که زوایای دیگری از متن‌ورود داده‌ها را به نمایش می‌گذارد. این باز: از سوپاپ‌های اطمینان تا عربستان «صعودی» و «محرومیت مضاعف» زنان در دوران پهلوی

تبلیغات داعشی حاشی حاتمی کیا: حمله هنروران «به وقت شام» به مردم در پردیس کورش



عمومی بی سابقه است؛ به ویژه آنکه هیچ فیلمسازی تا کنون برای رضایت سپاه پاسداران و توجیه سیاست‌های حکومت مبنی بر شعار «امنیت داریم»، در مردم ایجاد رعب و وحشت نکرده است. این تبلیغات داعشی حاتمی کیا و موسسه «اوج» به شدت با انتقاد مردم، کسبه و همچنین کسانی که برای تماشای فیلم آمده بودند، مواجه شده است. در جلسه پرسش و پاسخ، خانم جوانی که به همراه پسرش برای دیدن «به وقت شام» آمده بود، به شدت به ابراهیم حاتمی کیا اعتراض کرد و گفت که هنروران این فیلم یک جوان پیک موتوری را هل دادند، اشک بچه‌ها را در آوردند و کاری کرده‌اند که او از مردم خودش برترسد. هنروران فیلم «به وقت شام» علاوه بر تاخت و تاز اسب در بین مردم حاضر در پردیس کورش، به سوی مردم حمله نیز کرده و با لحن خشن و ناشایست با آنها صحبت می‌کردند و مانع حرکت و یا حتی غذا خوردن آنها می‌شدند تا در نمایش «داعش» سنگ تمام بگذارند! حال آنکه مردم پیشاپیش با این رفتارهای غیرانسانی و زشت از سوی نیروهای انتظامی و گشت‌های ریز و درشت ارشاد و لباس شخصی‌ها آتش‌به‌اختیارها کاملاً آشنا هستند و منتها فقط شکل و شمایل آنها فرق می‌کند و به جای اسب از تومبیل و موتور استفاده می‌کنند!

نکته قابل توجه این نمایش ابلهانه و خطرناک که به اسم تبلیغات فیلم انجام شد، آن سوی دیگر این تبلیغات نمایشی بود: عدم حضور نیروی انتظامی و مأمورانی که از مردم در برابر «داعش» حمایت کنند! این موضوع

● **مداخله و حضور نظامی جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه با شعار «امنیت داریم» را حاتمی کیا پردیس کورش اجرا کرد.**
● **حاتمی کیا در اطلاعیه‌ای مسئولیت را به گردن گروه تبلیغاتی فیلم‌اش انداخته و گفته که من خبر نداشتم، حلالم کنید!**
● **خانم جوانی در جلسه پرسش و پاسخ به حاتمی کیا گفته که «من از مردم خودم ترسیدم آقای حاتمی کیا!»**

گروه سازنده فیلم «به وقت شام» ساخته ابراهیم حاتمی کیا با آوردن کاراکترهای داعش همراه با اسلحه و اسب در پردیس کورش باعث ترس و وحشت مردم شد. تاختن اسب در مجموعه کورش و حمله به مردم و بخش‌هایی از اقدام مضحک و ابلهانه و در عین حال خطرناکی بوده که تحت عنوان تبلیغ فیلم و اکران مردمی این فیلم صورت گرفته است.

ابراهیم حاتمی کیا فیلمساز حکومتی این روزها سخت مشغول تبلیغ تازه‌ترین فیلمش «به وقت شام» به عنوان اثری پرمخاطب است و شهر به شهر اکران عمومی آن را دنبال می‌کند. وی در ادامه روند تبلیغاتش، دست به تبلیغات داعشی‌وار و وحشیانه و خطرناکی زده تا با استفاده از رعب و وحشت در دل مردم هم سودی نصیب موسسه رسانه‌ای «اوج» وابسته به سپاه پاسداران کند و هم حضور نظامی جمهوری اسلامی در عراق و سوریه و یمن را با صحنه‌سازی تبلیغاتی که مردم هیچ اطلاعی از ساختگی بودن آن نداشتند توجیه کند. در اکران به اصطلاح مردمی «به وقت شام» در پردیس سینمایی کورش تهران، عده‌ای با شکل و شمایل داعشی‌ها به داخل مجموعه هجوم آورده و به اسم «تبلیغ» مردم را به شدت وحشت‌زده کردند. پیش از شروع اکران، هم گوینده پردیس کورش به سبک تبلیغات قدیم لاله‌زاری از نمایش «به وقت شام» در ساعات بعد خبر می‌داده و مردم را برای تماشای فیلم دعوت می‌کرده اما



نیز ناخواسته بیانگر یک واقعیت تلخ است چرا که وظیفه‌ی نیروی انتظامی بجای آنکه دفاع از آزادی و آسایش و امنیت مردم باشد، ایجاد مزاحمت برای آنهاست چنانکه چندی پیش در شهر مشهد، برای رقص و شادی در یک مجموعه تجاری، نیروی انتظامی چنان بگیر و ببندی راه انداخت که حتی مدیرکل و رئیس ارشاد مشهد نیز بازداشت شد!

البته ترساندن مردم، رفتار خشن‌آمیز و حمله‌ی رسمی به یک مجموعه فرهنگی - تجاری، به دلیل روابط و وابستگی‌های مؤسسه «اوج» و ابراهیم حاتمی کیا مورد پیگرد قرار



ناگهان مردمی که در این پردیس به روال عادی مشغول تماشای مغازه‌ها و پاساژگردی بودند با افراد مسلحی روبرو می‌شوند که مانند اعضای داعش لباس پوشیده‌اند و سوار بر اسب در «پردیس» می‌تازند.

شاهدان عینی گفته‌اند که هنروران سوار بر اسب طبقه همکف پردیس کورش را به اصطلاحی بدل کرده بودند و هنروران دیگر به طبقات دیگر یورش می‌بردند. این نمایش ارباب‌برانگیز، موجب ترس جمعیت به ویژه کودکان شده و حتی خانم جوانی از هوش رفت. چنین تبلیغات خشن‌آمیز از سوی سینماگران ایران آن هم در یک مکان

تنگ مضرب!

آوازه

رضاشاه و موسیقی ایران

به کشور فعالیت‌ها از نو از سر گرفته شد و چرخه تهیه و تولید و آفرینش موسیقی تا به حال با همه موانع پیش پا ادامه داشته است.

همه اینها که گفتیم فقط در یک صورت امکان‌پذیر بود و آن اینکه



دولتی اقتدارگرا گردش چرخه را زیر نظر داشته باشد. این نیاز مبرم را ظهور رضاشاه برآورده می‌ساخت. مردی که ظاهراً بی‌سواد بود ولی می‌دانست که موسیقی چه نقشی در جامعه ایفا می‌کند. نکته‌ای که زمامداران امروز ایران نمی‌دانند. همان نیرویی که رضاشاه برای پرورش فرهنگ ایران بطور کلی به کار می‌بست در مورد سازمان‌های موسیقی نیز به کار می‌گرفت. نتیجه این نوع نظارت تاسیس دو هنرستان موسیقی و دیگری به موسیقی جهانی و دیگری به موسیقی ملی می‌پرداخت و سازمان‌های دیگری چون ارکستر سنفونیک تهران و ارکسترهای کوچک و ...

با سفر پادشاهان قاجار به اروپا و گسترش مبادلات فرهنگی، موسیقی جدی از نو مورد توجه قرار گرفت.

در چند هفته اخیر پیدا شدن یک پیکر مومیایی در محوطه نزدیک شاه‌عبدالعظیم در شهر ری بار دیگر نام سرسلسله پهلوی، رضاشاه را بر سر زبان‌ها انداخت. اعم از آنکه این پیکر از آن رضاشاه بوده باشد یا نه، در شرایط سیاسی امروز از نظر شناخت تاریخ ایران اهمیت پیدا می‌کند. بار دیگر مخالفان و موافقان اقتدارگرایی‌های رضاشاه در اداره مملکت و در بنیاد سازمان‌های گسترده فرهنگی به یک بازنگری تاریخی پرداخته‌اند و هر یک بر نقطه نظرهای خود پای می‌فشارند. این اظهار نظرها از منظر مطلق تا مثبت کامل نوسان دارد. چیزی که در اینجا به کار ما می‌آید مسئله پرداختن نظام پهلوی به مسائل فرهنگی و از جمله به موسیقی است. برای اینکه خوب به ماجرا نگاه کرده باشیم نگاه کوتاهی به تاریخ ضرورت دارد.

سازهای غربی همراه با پادشاهان از سفر بازگشتند و به همت امیرکبیر کلاس‌های موسیقی برای نخستین بار البته برای استفاده نظامی در ایران دایر شد. همزمان در بخش موسیقی بزمی نیز به همت هنرجویان بازگشته از اروپا رواج بیشتر پیدا کرد و در سال ۱۳۰۱ خورشیدی با برپایی مدرسه موسیقی وزیری، موسیقی هنری و بزمی نیز جای ثابتی برای خود پیدا کرد. بنیادی‌ترین بخش این فعالیت‌ها صرف آموزش، پژوهش و آفرینش موسیقی می‌شد. کنسرواتوار تهران به منبع مطمئن موسیقی‌نویسی و موسیقی‌نوازی تبدیل شد که تا جنگ جهانی دوم ادامه داشت. پس از جنگ نیز با بازگشت معلمان خارجی

نمی‌گیرد و کسی خود را در این رابطه فیلمسازی تا کنون برای رضایت سپاه پاسداران و توجیه سیاست‌های حکومت مبنی بر شعار «امنیت داریم»، در مردم ایجاد رعب و وحشت نکرده است. این تبلیغات داعشی حاتمی کیا و موسسه «اوج» به شدت با انتقاد مردم، کسبه و همچنین کسانی که برای تماشای فیلم آمده بودند، مواجه شده است. در جلسه پرسش و پاسخ، خانم جوانی که به همراه پسرش برای دیدن «به وقت شام» آمده بود، به شدت به ابراهیم حاتمی کیا اعتراض کرد و گفت که هنروران این فیلم یک جوان پیک موتوری را هل دادند، اشک بچه‌ها را در آوردند و کاری کرده‌اند که او از مردم خودش برترسد. هنروران فیلم «به وقت شام» علاوه بر تاخت و تاز اسب در بین مردم حاضر در پردیس کورش، به سوی مردم حمله نیز کرده و با لحن خشن و ناشایست با آنها صحبت می‌کردند و مانع حرکت و یا حتی غذا خوردن آنها می‌شدند تا در نمایش «داعش» سنگ تمام بگذارند! حال آنکه مردم پیشاپیش با این رفتارهای غیرانسانی و زشت از سوی نیروهای انتظامی و گشت‌های ریز و درشت ارشاد و لباس شخصی‌ها آتش‌به‌اختیارها کاملاً آشنا هستند و منتها فقط شکل و شمایل آنها فرق می‌کند و به جای اسب از تومبیل و موتور استفاده می‌کنند!

اصغر فرهادی خواستار صدور مجوز خروج جعفر پناهی شد



اصغر فرهادی در نشست خبری تازه‌ترین فیلمش «همه می‌دانند» در فستیوال فیلم کن خواستار فراهم آوردن امکان حضور جعفر پناهی در فستیوال فیلم کن شد. جعفر پناهی هفت سال پیش فلش مموری حاوی فیلم «این یک فیلم نیست» را داخل یک کیک برای حضور در فستیوال فیلم سنپائلی «همه می‌دانند» تازه‌ترین اثر اصغر فرهادی روز گذشته، سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۹۷، به عنوان فیلم آغازکننده هفتاد و یکمین دوره فستیوال فیلم کن روی پرده رفت. این فیلم که واکنش‌های متفاوت منتقدان و مخاطبان را برانگیخته، با بازی زوج اسپانیایی پنه‌لوپه کروز و خاویر باردِم و در اسپانیا به زبان اسپانیایی ساخته شده است. در پایان کنفرانس خبری «همه می‌دانند»، اصغر فرهادی درخواست کرد دوباره میکروفون را به او بازگرداند تا موضوعی را که برایش اهمیت دارد به رسانه‌ها اعلام کند.



اصغر فرهادی در نشست خبری تازه‌ترین فیلمش «همه می‌دانند» در فستیوال فیلم کن خواستار فراهم آوردن امکان حضور جعفر پناهی در فستیوال فیلم کن شد. جعفر پناهی هفت سال پیش فلش مموری حاوی فیلم «این یک فیلم نیست» را داخل یک کیک برای حضور در فستیوال فیلم سنپائلی «همه می‌دانند» تازه‌ترین اثر اصغر فرهادی روز گذشته، سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۹۷، به عنوان فیلم آغازکننده هفتاد و یکمین دوره فستیوال فیلم کن روی پرده رفت. این فیلم که واکنش‌های متفاوت منتقدان و مخاطبان را برانگیخته، با بازی زوج اسپانیایی پنه‌لوپه کروز و خاویر باردِم و در اسپانیا به زبان اسپانیایی ساخته شده است. در پایان کنفرانس خبری «همه می‌دانند»، اصغر فرهادی درخواست کرد دوباره میکروفون را به او بازگرداند تا موضوعی را که برایش اهمیت دارد به رسانه‌ها اعلام کند.

● **پناهی به مدت ۲۰ سال مجوز ساخت فیلم، فیلمنامه‌نویسی، خروج از ایران و مصاحبه را ندارد.**
● **فرهادی گفته که امیدوارم پناهی به کن بیاید، هنوز وقت هست.**

اصغر فرهادی در نشست خبری تازه‌ترین فیلمش «همه می‌دانند» در فستیوال فیلم کن خواستار فراهم آوردن امکان حضور جعفر پناهی در فستیوال فیلم کن شد. جعفر پناهی هفت سال پیش فلش مموری حاوی فیلم «این یک فیلم نیست» را داخل یک کیک برای حضور در فستیوال فیلم سنپائلی «همه می‌دانند» تازه‌ترین اثر اصغر فرهادی روز گذشته، سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۹۷، به عنوان فیلم آغازکننده هفتاد و یکمین دوره فستیوال فیلم کن روی پرده رفت. این فیلم که واکنش‌های متفاوت منتقدان و مخاطبان را برانگیخته، با بازی زوج اسپانیایی پنه‌لوپه کروز و خاویر باردِم و در اسپانیا به زبان اسپانیایی ساخته شده است. در پایان کنفرانس خبری «همه می‌دانند»، اصغر فرهادی درخواست کرد دوباره میکروفون را به او بازگرداند تا موضوعی را که برایش اهمیت دارد به رسانه‌ها اعلام کند.

حجت‌الاسلام محمد خاتمی: زنان در دوران پهلوی محرومیت‌های مضاعفی داشتند



نخستین اعتراض سراسری زنان به زمزمه‌های خمینی درباره حجاب اجباری - اسفند ۵۷

برابر دیکتاتور تسلیم شده‌اند و از سوی دیگر مردم دچار چنان خشم و نفرتی علیه شرایط موجود شده‌اند که خود زمامداران نیز از انفجار اجتماعی سخن می‌گویند که ممکن است آنها را «به دریا» بریزد!

محمد خاتمی با اشاره‌ای گذرا به اعتراضات سراسری دی‌ماه ۹۶ بدون آنکه به دلایل آن و مطالبات مردم معترض اشاره کند گفت: «بیرونی‌ها حساس می‌کنند تا جریان اصلاحات هست که طرفدار ثبات و مخالف دخالت بیگانه است، راهی برای براندازها نخواهد بود بنابراین به شدت می‌کوبند و در داخل هم اتفاقاً گروه‌هایی می‌گویند این اصلاحات موی دماغ ماست و باید اینها را

شناخته نمی‌شود» گفت که شهروند صاحب حقوق و اختیاراتی است که در سرنوشت و پیشرفت جامعه مشارکت می‌کند و مالک اصلی کشور و امکانات، خود مردم هستند. معلوم نیست خاتمی در کدام کشور و با کدام قوانین زندگی می‌کند که این همه قوانین تبعیض‌آمیز علیه انسان-چه زن و چه مرد- را نمی‌بیند. اگر وی به عنوان کسی که هشت سال رییس قوه مجریه بوده از سرکوب‌ها بی‌خبر باشد، قاعدتا از دم و دستگاه‌های عریض و طویل سرکوب نمی‌بایست بی‌اطلاع بوده باشد زیرا بودجه‌ی همه آنها را می‌بایست دولت خودش تعیین و تأمین می‌کرد!

خاتمی که مثل بقیه مقامات و

● **رییس دولت اصلاحات در سخنانی گفته در دوران پهلوی زن و مرد آزادی نداشتند.**

● **مجتبی واحدی: محمد خاتمی استبداد فعلی را نمی‌بیند و از دیکتاتوری رضاخان - هشتاد سال پیش - سخن می‌گوید.**

● **کاربری در توئیتر در واکنش به اظهارات حجت‌الاسلام محمد خاتمی نوشته: احمدی‌نژاد با تمام وقاحتش در اعتراض به سیستم یک پله از خاتمی جلو است.**

حجت‌الاسلام محمد خاتمی در اظهاراتی بر این واقعیت تأکید کرده که «ما با همه وجود از جمهوری اسلامی دفاع می‌کنیم» و این نکته‌ی روشن را نیز تکرار کرده که اصلاحات مخالف براندازی است.

رییس دو دوره دولت ناکام اصلاحات در دیدار با اعضای «جمعیت زنان مسلمان نواندیش» که شامگاه یکشنبه، ۱۵ اردیبهشت برگزار شد در باره اصلاحات سیاسی و اجتماعی دوران محمدرضا شاه پهلوی گفت: «وقتی لویج شش‌گانه شاه مطرح شد و درگیری بین شاه و روحانیت



دیدار خاتمی با جمعیت زنان مسلمان نواندیش

پدید آمد، امام فرمودند که حضرات از آزادی زنان می‌گویند اما مگر مردان آزادند؟ نکته‌ای را باید در اینجا در نظر گرفت که نه زن و نه مرد در کشوری که دیکتاتوری در آن حاکم است، آزاد نیست؛ بنابراین اولویت، ریشه‌کن کردن دیکتاتوری و استبداد و استقرار آزادی انسان است. در آن زمان اگرچه زن و مرد آزادی نداشتند اما زنان محرومیت‌های بیشتری داشتند.

حجت‌الاسلام خاتمی فراموش کرد بگوید که دلیل مخالفت روح‌الله خمینی رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی با اصلاحات شاه، از جمله حق رای زنان و همچنین تأمین حقوق سیاسی اقلیت‌های مذهبی بوده است. خمینی در رأس روحانیت مرتجع اصرار داشت که زنان نباید مانند مردان حق رأی داشته باشند! بعید است محمد خاتمی این واقعیت تاریخی را که در منابع خود جمهوری اسلامی نیز ثبت است، نداند!

وی همچنین در سخنانی بی‌سر و ته ادعا کرد: «انقلاب شاه درست نبود و اقدام دیکتاتوری که خواهد بدون حضور مردم انقلاب کند، خود از طنزهای تلخ تاریخ است.» البته اگر سازندگی‌های رضاشاه پهلوی و بنیان گذاشتن نهادهای مدرن و همچنین اصلاحات دوران محمدرضا شاه پهلوی نبود، معلوم نبود «مشروع‌خواهان» که در سال ۵۷ به قدرت رسیدند تا انتقام مشروطه را بگیرند، بدون دستاوردهایی که پنجاه سال در جامعه ریشه دوانده بودند چه بلایی بر سر جامعه می‌آوردند.

خاتمی در ادامه دروغ‌های خود گفت: «زنان در آن دوره محرومیت مضاعف داشتند و در ابتدای انقلاب هم علمای بزرگوار از اینکه به زنان حق رای دادن می‌دادند اعتراض داشتند اما امام مسئله را در مسیر دیگری پیش بردند!» خوشبختانه خاتمی آن «مسیر» را که «امام» با حجاب اجباری علیه حق و اختیار زنان آغاز کرد، نمی‌تواند لاپوشانی کند! خاتمی با کلی‌گویی و ابراز فضل درباره اینکه «در نظام‌های دیکتاتوری، انسان- چه زن و چه مرد- شهروند

پدید آمد، امام فرمودند که حضرات از آزادی زنان می‌گویند اما مگر مردان آزادند؟ نکته‌ای را باید در اینجا در نظر گرفت که نه زن و نه مرد در کشوری که دیکتاتوری در آن حاکم است، آزاد نیست؛ بنابراین اولویت، ریشه‌کن کردن دیکتاتوری و استبداد و استقرار آزادی انسان است. در آن زمان اگرچه زن و مرد آزادی نداشتند اما زنان محرومیت‌های بیشتری داشتند.

حجت‌الاسلام خاتمی فراموش کرد بگوید که دلیل مخالفت روح‌الله خمینی رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی با اصلاحات شاه، از جمله حق رای زنان و همچنین تأمین حقوق سیاسی اقلیت‌های مذهبی بوده است. خمینی در رأس روحانیت مرتجع اصرار داشت که زنان نباید مانند مردان حق رأی داشته باشند! بعید است محمد خاتمی این واقعیت تاریخی را که در منابع خود جمهوری اسلامی نیز ثبت است، نداند!

وی همچنین در سخنانی بی‌سر و ته ادعا کرد: «انقلاب شاه درست نبود و اقدام دیکتاتوری که خواهد بدون حضور مردم انقلاب کند، خود از طنزهای تلخ تاریخ است.» البته اگر سازندگی‌های رضاشاه پهلوی و بنیان گذاشتن نهادهای مدرن و همچنین اصلاحات دوران محمدرضا شاه پهلوی نبود، معلوم نبود «مشروع‌خواهان» که در سال ۵۷ به قدرت رسیدند تا انتقام مشروطه را بگیرند، بدون دستاوردهایی که پنجاه سال در جامعه ریشه دوانده بودند چه بلایی بر سر جامعه می‌آوردند.

خاتمی در ادامه دروغ‌های خود گفت: «زنان در آن دوره محرومیت مضاعف داشتند و در ابتدای انقلاب هم علمای بزرگوار از اینکه به زنان حق رای دادن می‌دادند اعتراض داشتند اما امام مسئله را در مسیر دیگری پیش بردند!» خوشبختانه خاتمی آن «مسیر» را که «امام» با حجاب اجباری علیه حق و اختیار زنان آغاز کرد، نمی‌تواند لاپوشانی کند! خاتمی با کلی‌گویی و ابراز فضل درباره اینکه «در نظام‌های دیکتاتوری، انسان- چه زن و چه مرد- شهروند

پیدا شد، امام فرمودند که حضرات از آزادی زنان می‌گویند اما مگر مردان آزادند؟ نکته‌ای را باید در اینجا در نظر گرفت که نه زن و نه مرد در کشوری که دیکتاتوری در آن حاکم است، آزاد نیست؛ بنابراین اولویت، ریشه‌کن کردن دیکتاتوری و استبداد و استقرار آزادی انسان است. در آن زمان اگرچه زن و مرد آزادی نداشتند اما زنان محرومیت‌های بیشتری داشتند.

حجت‌الاسلام خاتمی فراموش کرد بگوید که دلیل مخالفت روح‌الله خمینی رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی با اصلاحات شاه، از جمله حق رای زنان و همچنین تأمین حقوق سیاسی اقلیت‌های مذهبی بوده است. خمینی در رأس روحانیت مرتجع اصرار داشت که زنان نباید مانند مردان حق رأی داشته باشند! بعید است محمد خاتمی این واقعیت تاریخی را که در منابع خود جمهوری اسلامی نیز ثبت است، نداند!

وی همچنین در سخنانی بی‌سر و ته ادعا کرد: «انقلاب شاه درست نبود و اقدام دیکتاتوری که خواهد بدون حضور مردم انقلاب کند، خود از طنزهای تلخ تاریخ است.» البته اگر سازندگی‌های رضاشاه پهلوی و بنیان گذاشتن نهادهای مدرن و همچنین اصلاحات دوران محمدرضا شاه پهلوی نبود، معلوم نبود «مشروع‌خواهان» که در سال ۵۷ به قدرت رسیدند تا انتقام مشروطه را بگیرند، بدون دستاوردهایی که پنجاه سال در جامعه ریشه دوانده بودند چه بلایی بر سر جامعه می‌آوردند.

خاتمی در ادامه دروغ‌های خود گفت: «زنان در آن دوره محرومیت مضاعف داشتند و در ابتدای انقلاب هم علمای بزرگوار از اینکه به زنان حق رای دادن می‌دادند اعتراض داشتند اما امام مسئله را در مسیر دیگری پیش بردند!» خوشبختانه خاتمی آن «مسیر» را که «امام» با حجاب اجباری علیه حق و اختیار زنان آغاز کرد، نمی‌تواند لاپوشانی کند! خاتمی با کلی‌گویی و ابراز فضل درباره اینکه «در نظام‌های دیکتاتوری، انسان- چه زن و چه مرد- شهروند

ادامه اعتراضات گسترده کارگری؛ ۱۸ هزار پرونده دادخواهی کارگری در استان آذربایجان شرقی



به اعتراض زده و اعلام کرده‌اند این اعتصاب را در روزهای آینده و تا پرداخت شدن حقوق‌شان ادامه خواهند داد.

همچنین کارگران شرکت ایران قوطی شهر صنعتی البرز قزوین پس از چند ماه بیکاری برای احقاق حقوق و مطالبات معوقه به دادگستری مراجعه کردند؛ آنها معتقدند سازمان تأمین اجتماعی و شرکت ایران قوطی با هم هماهنگ هستند و به همین دلیل تلاش کارگران برای پرداخت شدن حقوق و مزایای خود بی‌نتیجه مانده است.

همزمان کارگران کارخانه لوله‌سازی ماهشهر در اعتراض به ماه‌ها حقوق معوقه و اخراج تعداد زیادی از کارگران این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران این کارخانه می‌گویند هر اعتراضی از سوی کارگران موجب اخراج آنها می‌شود. از سوی دیگر کارگران شاغل در مجموعه شهرداری صفادشت و سازمان‌های وابسته به آن، از اجرا نشدن قانون کار در خصوص محاسبه مزایای اضافه‌کاری و شب‌کاری خود خبر می‌دهند. این کارگران می‌گویند شهرداری صفادشت حقوق و بیمه کارگران را با تاخیر پرداخت می‌کند و در عین حال سقف اضافه‌کاری و تعطیل کاری آن‌ها نیز از ماهانه ۱۴۰ ساعت به حداقل ۴۰ ساعت کم شده است.

کشاورزان معترض نقده در اعتراض به دریافت نکردن پول چغندرهای تحویلی خودشان به کارخانه قند، نقده، روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت در این کارخانه را بستند.

تعدادی کارگران ستاد مرکزی و ادارات گاز شهرهای آمل، نور، بابل محمودآباد و شهرهای غربی استان مازندران چند ماهی است که حقوق خود را دریافت نکرده و می‌گویند این موضوع مشکلات خانوادگی و

● **مدیرکل کار و رفاه استان آذربایجان شرقی از وجود ۱۸ هزار پرونده دادخواست کارگری در استان آذربایجان شرقی خبر داده است.**

● **در روزهای گذشته تعداد اعتراض کارگران در شهرهای مختلف ایران به عدم پرداخت حقوق و مزایا از سوی کارفرما افزایش یافته است.**

● **مالباختگان نیز در روزهای گذشته چندین تجمع در شهرهای مختلف برگزار کردند.**

در حالی که اعتراضات کارگران به عدم پرداخت حقوق و مزایا و موج اخراج گروهی در شهرهای مختلف ایران ادامه دارد، کارگران زیادی اقدام به شکایت از کارفرمایان کرده‌اند.

میراحد حسینی مدیرکل کار و رفاه استان آذربایجان شرقی از وجود ۱۸ هزار پرونده دادخواست کارگری در استان آذربایجان شرقی خبر داده است و گفته است: «این شکایات در ۳۳ هیئت تشخیص و ۲۲ هیئت حل اختلاف مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و در مجموع ۳۶۰ نفر مشغول حل و فصل پرونده‌های شکایت کارگری هستند.»

او همچنین افزوده است آذربایجان شرقی یک استان صنعتی و کارگری است و نزدیک به ۶۷۰ هزار نفر کارگر مشمول قانون کار و بیمه شده در استان وجود دارد.

جدا از موارد زیاد شکایت‌های کارگران، تعداد تجمع‌های اعتراضی کارگری نیز در روزهای گذشته با افزایش روبرو بوده است.

حدود ۱۶۰۰ کارگر خدمات شهری قم، حقوق دو ماه گذشته خود را از شهرداری دریافت نکرده‌اند. این در حالیست که کارگران خدمات شهری می‌گویند شهرداری به خواسته آنها برای پرداخت شدن هر چه سریعتر حقوق بی‌تفاوت است.

همچنین کارگران شرکت صدر فولاد لرستان که ۱۰ ماه حقوق از کارفرما طلبکار هستند روز دوشنبه، ۱۷ اردیبهشت با شعار «خاک بر سر استاندار» در مقابل استانداری لرستان تجمع کردند:

کارگران نیروگاه گل‌گهر سیرجان وابسته به گروه مپنا نیز به دلیل پرداخت نشدن ۵ ماهه حقوق خود از روز دوشنبه، ۱۷ اردیبهشت، دست

نشدن حقوق داشته‌اند.

رییس اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهر شهرضا هم از اخراج ۱۰۰ کارگر کارخانه واگن‌سازی کوثر شهرضا واقع در کیلومتر ۵۰ جاده اصفهان-شیراز، شهرک صنعتی رازی، خبر داده است.

مالباختگان نیز مانند کارگران در روزهای گذشته چند تجمع اعتراضی برگزار کردند. مالباختگان موسسه مالی و اعتباری آرمان وحدت روز دوشنبه، ۱۷ اردیبهشت در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و شعار سر دادند: «نیروی انتظامی بگوش باش مال باخته‌ایم نه آبش»

چند تن از استادان و دانشجویان اشخاصی را ندیدند. آنها اما در بازدید از کافی شاپ و رستوران های این خیابان متوجه شدند خانم‌ها به عنوان گارسون در آنجا کار می‌کنند که به صاحبان این مراکز تذکر داده شد. بعضی کافه‌ها و رستوران‌ها هم پروانه کسب نداشتند. در اطلاعیه پلیس آمده که برخی دانشجویان دانشکده هنر که در این خیابان قرار دارد از پوشش نامناسب استفاده می‌کنند که خلاف شئون اسلامی و اخلاقی است و مأموران آنها را ارشاد کرده‌اند!

در خیابان طالقانی (تخت جمشید) چه خبر است؟



چند تن از ساکنان خیابان «طالقانی» که اهالی محل آنها را همسایه‌های خودشیرین خوانده‌اند این هفته در فضای مجازی نوشتند: «پلیس هم جرات ورود به این خیابان را ندارد.» اما رئیس پلیس تهران بعد از لشکرکشی به خیابان طالقانی همانجا که مسجد معروف طالقانی و پاتوق آیت‌الله طالقانی در اوایل انقلاب قرار دارد گفت به ما خبر دادند این خیابان محل اجتماع افراد دوجنسی است. مأموران ما بارها به این محل رفتند ولی چنین

چند تن از ساکنان خیابان «طالقانی» که اهالی محل آنها را همسایه‌های خودشیرین خوانده‌اند این هفته در فضای مجازی نوشتند: «پلیس هم جرات ورود به این خیابان را ندارد.» اما رئیس پلیس تهران بعد از لشکرکشی به خیابان طالقانی همانجا که مسجد معروف طالقانی و پاتوق آیت‌الله طالقانی در اوایل انقلاب قرار دارد گفت به ما خبر دادند این خیابان محل اجتماع افراد دوجنسی است. مأموران ما بارها به این محل رفتند ولی چنین

چند تن از ساکنان خیابان «طالقانی» که اهالی محل آنها را همسایه‌های خودشیرین خوانده‌اند این هفته در فضای مجازی نوشتند: «پلیس هم جرات ورود به این خیابان را ندارد.» اما رئیس پلیس تهران بعد از لشکرکشی به خیابان طالقانی همانجا که مسجد معروف طالقانی و پاتوق آیت‌الله طالقانی در اوایل انقلاب قرار دارد گفت به ما خبر دادند این خیابان محل اجتماع افراد دوجنسی است. مأموران ما بارها به این محل رفتند ولی چنین

«های لندر» و امتداد ایدئولوژی در تاریخ



مک لئود و رامیرز

رضا پرچی زاده - «های لندر» (Highlander) از آن ژانرهای اکشن- فلسفی خلاقانه‌ای است که گرچه در زمان ظهورش چندان مورد توجه قرار نگرفت، اما در گذار زمان چنان محبوب شد که امروز به ژانری کلاسیک تبدیل شده.

مجموعه‌ی های لندر امروز تعداد زیادی فیلم و کارتون، رمان و کمیک‌استریپ، و بازی کامپیوتری را شامل می‌شود. در اصطلاح آمریکایی، همه‌ی اینها را سرجمع «franchise» می‌گویند، که یعنی از لحاظ درون‌مایه به هم مربوط هستند و معمولا حقوق تالیف و انتشار آنها نیز در دست فرد یا افراد یا کمپانی خاصی است. با این وجود، بهترین نمود این مجموعه تا به امروز همان فیلم اورجینال محصول ۱۹۸۶ و سپس «انیمی» (anime) محصول ۲۰۰۷ بوده‌اند.

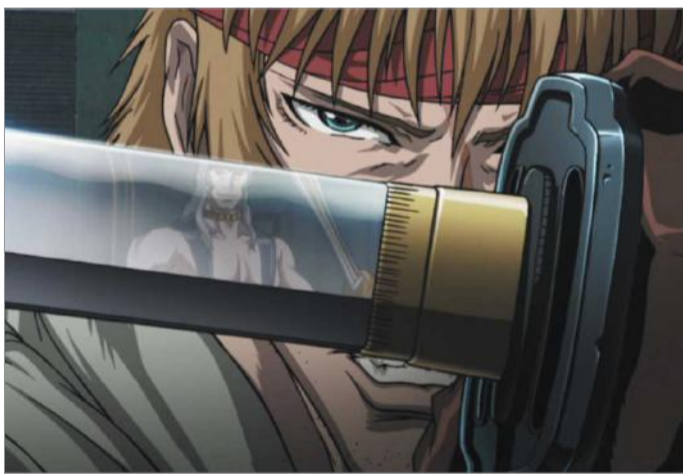
«های لندر» اصطلاحی انگلیسی است که اسکاتلندی‌ها، پس از آنکه یواش یواش انگلیسی را به جای زبان باستانی خود یعنی «گیلیک» (Gaelic) پذیرفتند، برای نامیدن بخشی از هموطنان خود به کار بردند. اسکاتلند به دو بخش جغرافیایی عمده تقسیم می‌شود: سرزمین‌های جنوبی آن که به انگلیس نزدیک‌ترند و عموماً صاف و مسطح هستند را «Lowlands» می‌گویند؛ و سرزمین‌های شمالی آن که عموماً کوهستانی هستند را «Highlands» می‌گویند. در جایی که شهرهای بزرگ اسکاتلند عموماً در «Lowlands» قرار گرفته‌اند، اهالی «Highlands» بیشتر روستائیشان قبیله‌ای بوده‌اند. بنابراین، «های لندر» در حقیقت اصطلاحی تحقیرآمیز به معنای «پشت کوهی» است. قهرمان مجموعه‌ی های لندر هم یک پشت‌کوهی است.

کانر مک‌لئود (کریستوفر لیمبرت) در قرن شانزدهم در پشت‌کوه‌های اسکاتلند زاده می‌شود. او در نبردی قبیله‌ای ظاهراً کشته می‌شود اما به زودی به زندگی بازمی‌گردد. هم‌قبیله‌هایش که این «بازگشت» را کار شیطان می‌دانند، از مک‌لئود می‌ترسند و او را از دهکده می‌رانند. او هم می‌رود و در مکانی دور از روستای خویش در حاشیه‌ی روستایی دیگر خانه می‌سازد و زندگی می‌کند.

یک روز نجیب‌زاده‌ای اسپانیایی به نام خوان سانچز ویالوبوس رامیرز (شون کانری) نزد او می‌آید و به او می‌گوید که خودش و مک‌لئود هر دو «نامیرا» (immortal) هستند، و اینکه دیگرانی مثل آن دو نیز در دنیا وجود دارند.

رامیرز برای کانر تعریف می‌کند که چطور نامیرایان در طول تاریخ با هم مبارزه کرده‌اند، و اینکه در نهایت همه‌ی آنها باید یک‌جا جمع شوند و با هم مبارزه کنند تا تنها یک نفر زنده بماند. یک نامیرا فقط با قطع سرش برای همیشه می‌میرد، و انرژی و توانایی او را کشته‌ای او در فرآیندی به نام «Quickenning» از آن خود می‌کند و قویتر می‌شود. رامیرز استاد مک‌لئود می‌شود و به او هنر شمشیرزنی می‌آموزد. در عین حال به او هشدار می‌دهد که از آدمیان میرنده دوری کند، چرا که رنج‌های آنها او را به شدت آزار خواهد داد؛ از جمله اینکه نباید عاشق بشود. ولی مک‌لئود گوش نمی‌کند و عاشق هذر (Heather) می‌شود؛ و در نهایت مجبور می‌شود پیری و مرگ او را با درد و رنج فراوان تحمل کند.

فیلم «های لندر» را راسل مالکی استرالیایی، که کارش را با کارگردانی کلیپ‌های موسیقی آغاز کرده بود، در سال ۱۹۸۶ کارگردانی کرد. شاید یک دلیل اینکه این فیلم به شوهای تلویزیونی دهه‌ی هشتاد شباهت زیادی دارد نیز همین پیش‌زمینه‌ی کارگردانش باشد؛ چرا که مالکی به تکنیک‌هایی مانند «fast cutting»، «tracking» و استفاده از نورهای درخشان و گاه زنده‌ی چشم علاقه‌ی خاصی دارد. ساختار فیلم و تدوین آن نیز در همین راستا میان فلش‌بک



نبرد نهایی

را کشف می‌کند. اما اسب مک‌لئود جسد او را به درون «استون‌هنج» (Stonehenge) می‌کشاند - که ظاهراً مکان مقدسی است که نامیرایان در آن حق مبارزه ندارند - و در نتیجه اکتاویوس نمی‌تواند سر از تنش جدا کند. پس او را رها می‌کند و می‌رود. وقتی که مک‌لئود به هوش می‌آید، روح کاهنی باستانی حقیقت را به او می‌گوید، و مک‌لئود سوگند می‌خورد از اکتاویوس انتقام بگیرد. از آن زمان به بعد، مک‌لئود و اکتاویوس در طول ۲۰۰۰ سال به تکرار با هم مصاف می‌دهند. طی این نبردها اکتاویوس همیشه برای امپراتوری‌های قدرتمندی همچون امپراتوری روم، شوکان‌های توکوگاوا، و آلمان نازی می‌جنگد تا به آرمان خود که ساختن یک جامعه‌ی جهانی ایده‌آل است دست پیدا کند؛ و مک‌لئود نیز همیشه در جبهه‌ی مخالف اوست. نکته‌ی جالب اینجاست که گرچه اکتاویوس همیشه در سمت «تمدن» است و خودش هم بسیار باسواد و «متمدن»

کنسرت کیتارو در تهران لغو شد؛ عدم صدور ویزا برای اعضای آمریکایی گروه یا نگرانی از رویدادهای نامنتظره؟!



● کیتارو پیش از این در سال ۲۰۱۱ در تهران کنسرت برگزار کرده بود. این موزیسین ژاپنی در آمریکا زندگی می‌کند و در ایران با موسیقی فیلم «راه ابریشم» به شهرت رسید.

با خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، کنسرت موسیقی کیتارو نوازنده و آهنگساز ژاپنی به دلیل حضور ۶ موزیسین آمریکایی لغو شد! برگزارکنندگان این کنسرت می‌گویند در شرایط کنونی امکان حضور این هنرمند در ایران میسر نیست.

نخستین بازتاب‌های خروج ایالات متحده آمریکا از برجام خود را در زمینه‌ی فرهنگی و هنری نیز نشان داده و منجر به لغو کنسرت ماسانوری تاکاهاشی معروف به کیتارو موزیسین ژاپنی در تهران شده است. برگزارکنندگان کنسرت کیتارو که قرار بود سه روز در ماه اردیبهشت در تهران به اجرا موسیقی بپردازند گفته‌اند که کنسرت «به دلیل تأخیر در صدور ویزا و میسر نشدن سفر گروه به ایران در آن مقطع زمانی لغو شد». آنها از خریداران بلیت کنسرت کیتارو خواستند تا هزینه بلیت‌هایشان را از طریق ایمیل و تلفن پس بگیرند. روابط عمومی این کنسرت علت لغو آن را «حضور ۶ آمریکایی در گروه کیتارو» اعلام کرده و نوشته که «در

شرایط فعلی متأسفانه امکان حضور این هنرمند شایسته در این زمان میسر نشد.» با این حال دقیقاً روشن نیست، دلیل لغو این کنسرت هراس برنامه‌گذاران از بازداشت و دستگیری احتمالی اعضای آمریکایی گروه بوده یا صادر نشدن ویزا برای آنها. روابط عمومی این برنامه اعلام کرده که گروه اجرایی با وجود صرف دو سال زمان برای اجرای این برنامه، «ترجیح می‌دهد در شرایط فعلی سکوت کند و آرزوی روزهای بهتر بنماید!» سایت تیوال نیز در توضیح چگونگی بازگرداندن هزینه بلیت‌ها یادآور شده که «تیوال نقشی در جابجایی زمانی این برنامه و لغو آن نداشته است.» او اکثر آثارش را کیتارو به ساخت و اجرای موسیقی الکترونیک شهره است؛ وی پیش از این در سال ۱۳۹۳ در تالار وزارت کشور

به همراهی ارکستر سمفونیک ایران به اجرای موسیقی پرداخت. کیتارو در ژاپن به دنیا آمده ولی سال‌هاست که در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کند. کیتارو با موسیقی سریال «راه ابریشم» در جهان و ایران به شهرت رسید که در نهایت منجر به بردن جایزه «گرمی» و جایزه «گلدن گلوب» و ساخت موسیقی فیلم «بهشت و زمین» برای الیور استون کارگردان آمریکایی شد. وی تا کنون ۳۰ آلبوم منتشر کرده که بسیاری از آنها جزو پرفروش‌ترین‌ها بوده‌اند. برای مثال آلبوم «روشنی یک روح» تا کنون تنها در آمریکا حدود ۲ میلیون نسخه به فروش رفته است. او اکثر آثارش را از استودیو شخصی‌اش در یکی از کوهپایه‌های ژاپن ساخته، نواخته و ضبط کرده است.

لغو سخنرانی‌های اورهان پاموک در تهران از ترس حمایت از سلمان رشدی!



● برنامه سخنرانی اورهان پاموک در نشر ققنوس و مجله بخارا لغو شد. این نویسنده ترک و محبوب در ایران، از سلمان رشدی دفاع و با فتوای قتل او اعلام مخالفت کرده است. پاموک در نهایت فقط کاخ نیاوران شرکت و ترجمه کتاب‌هایش به فارسی را برای دوستانداران امضا کرد.

سفر اورهان پاموک نویسنده ترک و برنده نوبل ادبیات به تهران با لغو مکرر برنامه‌های سخنرانی‌اش روبروست. مخالفان حضور این نویسنده‌ی جهانی در تهران، از ابراز حمایت دوباره‌اش از سلمان رشدی نویسنده کتاب «آیات شیطانی» ترسیده‌اند؛ حمایت از نویسنده‌ای که خمینی علیه‌اش فتوای قتل صادر کرد، آن هم در تهران! اورهان پاموک و سلمان رشدی نوبل ادبیات سال ۲۰۰۶ که برای دومین بار به ایران سفر کرده، در طول سفر ۳ روزه خود با لغو مکرر برنامه‌های سخنرانی‌اش روبرو شده است. پاموک که به دعوت انتشارات ققنوس ناشر برخی از آثارش به ایران دعوت شده، قرار بود برای نخستین‌بار در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حاضر شود و در غرفه این انتشارات به سخنرانی بپردازد. اما پیش از برگزاری این برنامه، مراسم شب اورهان پاموک در خانه اندیشمندان علوم انسانی با مدیریت مجله بخارا، در روز چهارشنبه، ۱۹ اردیبهشت ماه، به دلیل آنچه «عدم در اختیار گذاشتن سالن» عنوان شد، لغو گردید. همچنین خبر رسید که حضور پاموک در غرفه انتشارات ققنوس و شرکت در نمایشگاه کتاب تهران نیز در روز پنجشنبه، ۲۰ اردیبهشت‌ماه، لغو شده است. خبرگزاری ایلنا نوشت که عدم حضور پاموک در نمایشگاه کتاب به دلیل «جلوگیری از ازدحام جمعیت» بوده است. انتشار این بهانه‌ها در حالی صورت گرفته که نصرالله پژمانفر نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای

اسلامی در گفتگو با خبرگزاری فارس از دعوت انتشارات ققنوس از اورهان پاموک برای حضور در نمایشگاه کتاب تهران انتقاد مردع و آن را اقدامی را «ضد امنیتی، ضد فرهنگی و ضد دینی» خوانده است. نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس گفته که «قطعا این اتفاقات سهوی نیست، یک توطئه است که سپهوا اتفاقی می‌افتد اما این موضوع را به صورت سهوی نمی‌بینیم و دستگاه‌های امنیتی باید بررسی کنند!» پژمانفر برنامه سخنرانی پاموک در نمایشگاه کتاب را بطور تلویحی نشستی خوانده که «مباحث امنیتی و اعتقادی ما را زیر سوال می‌برد» وی اضافه کرده که یک انتشارات از «کسی که اعتقادات ما را زیر سوال برده و به فرمایش امام راحل سلمان رشدی را که به طور واضح در اقصی نقاط دنیا مطرح شد، وجود منحوس این مرتد را از زمین پاک کند» دعوت کرده است. این نماینده مجلس شورای اسلامی خواستار دخالت دستگاه‌های امنیتی در این مسئله شده و گفته که وزارت ارشاد باید پاسخگو باشد و مجلس هم پیگیر این موضوع است. نصرالله پژمانفر نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی که گویا از احتمال سخنان حمایت‌گرانه اورهان پاموک از سلمان رشدی آن هم در نمایشگاه کتاب تهران به شدت وحشت کرده، گفته است: «چطور چنین افرادی که پشتیبان این جریان فکری بوده‌اند و از آن حمایت کرده‌اند، به راحتی بیایند و همان میانی و سخنان خودشان را در نمایشگاه طرح کنند.» وی اضافه کرده است: «اینکه امروز راه باز شده که یک تعداد افرادی بی‌حساب

و کتاب از مرزها می‌آیند، جلساتی برگزار می‌کنند و محتوایی را رد و بدل می‌کنند و نشست‌هایی می‌گذارند و تصمیماتی می‌گیرند و بیانه‌هایی صادر می‌کنند، اینها اتفاقی نیست، فکر می‌کنم بخشی از این ناهنجاری‌هایی که در حوزه مسائل فرهنگی شکل می‌گیرد، متأسفانه با تساهل و تسامح دستگاه‌های اجرایی شکل می‌گیرد و اتفاق می‌افتد، امیدواریم دوستان یک مقدار در این موضوع جدی باشند و برخورد مناسب و درستی را صورت دهند.» پژمانفر خواستار برخورد دستگاه‌های مسئول با کسانی شده که «در ارتباط با این موضوع سهل‌انگاری و همکاری می‌کنند.» در چنین شرایطی اهالی فرهنگ و ادبیات میزبان اورهان پاموک برنده نوبل ادبیات ۲۰۰۶ و یکی از محبوب‌ترین نویسندگان ترکیه و جهان در ایران بودند. پاموک در نهایت، بجز چند مصاحبه اختصاصی با رسانه‌های ایران، توانست صبح روز چهارشنبه، ۱۹ اردیبهشت ماه، در کاخ نیاوران در یک نشست خبری شرکت کند و به سوالات خبرنگاران پاسخ دهد و به امضای نسخه ترجمه‌های آثارش بپردازد. اورهان پاموک جزو نویسندگانی است که به صراحت با فتوای قتل سلمان رشدی که توسط خمینی در ۱۴ فوریه ۱۹۸۸ صادر شد مخالفت کرده است. اغلب آثار پاموک به فارسی ترجمه شده که از میان آنها می‌توان به «قای جودت و پسران»، «قلعه سپید»، «نام من سرخ»، «کتاب سیاه»، «چیز غریبی در سرم»، «رنگ‌های دیگر» ... اشاره کرد. اورهان پاموک بیشتر در سال ۱۳۸۲ به ایران سفر کرده بود.

زنان شاخص

لیلا کسری (۱۳۱۸ - ۱۳۶۸)



لیلا کسری با نام هنری هدیه شاعر، ترانه‌سرای و نویسنده ایرانی بود. وی که از سنین جوانی به شعر روی آورده بود و یکی از مجموعه‌های شعر او یعنی کتاب فصل مطرح نیست به‌عنوان بهترین کتاب شعر نو در سال ۱۳۴۸ انتخاب شده بود، از سال ۱۳۵۴ به‌پیشنهاد فریدون خشنود به‌عرصه ترانه‌سرایی وارد شد و فعالیت در این عرصه را تا پایان عمر خویش ادامه داد. تحصیلات مقدماتی و دبیرستان خود را در زادگاهش به‌انجام رسانید و سپس برای ادامه‌تحصیل راهی انگلستان شد. وی در لندن در رشته کتاب‌داری در دانشگاه کینز کالج تحصیل نمود و پس از پایان تحصیلات خویش به ایران بازگشت. لیلا کسری پس از بازگشت به ایران در شرکت پتروشیمی ایران استخدام شد و به کار در این شرکت پرداخت. لیلا کسری قبل از انقلاب اسلامی ایران برای خوانندگانی چون نوش آفرین، حبیب، نسرین، ستار، مهستی، آبی،

ایرج، گلپا، الهه و بعد از انقلاب برای خوانندگان دیگری همچون هایده، مهستی، حمیرا، معین، ویگن، داریوش، اندی، سیاوش شمس، فرزین و ... ترانه سرود. با این وجود شاخص‌ترین و به‌یادماندنی‌ترین آثار او، کارهایی است که وی با هایده انجام داده‌است. لیلا کسری سرانجام در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۸ و پس از عمری پرپر از ترانه و هنر، در بیمارستان سنچری سیتی Century City کالیفرنیا، به‌دلیل بیماری سرطان سینه از دنیا رفت.



روش‌هایی برای کاهش افسردگی دوران بارداری

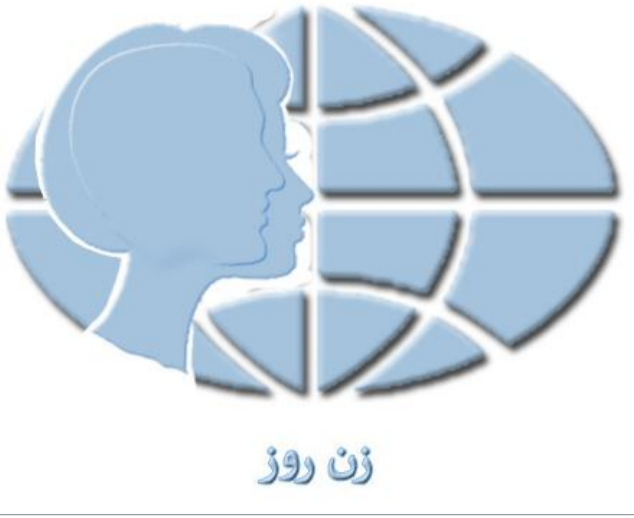
زنان در هنگام بارداری به افسردگی دچار می‌شوند و از لحاظ ذهنی با اختلالاتی مواجه می‌شوند که بهترین راهکار برای کنترل و بهبود افسردگی فعالیت جسمی و ورزش کردن می‌باشد. به گزارش روزپلاس: زنان معمولاً بعد از گذراندن دوران بارداری و وضع حمل دچار افسردگی می‌شوند. بررسی‌های اخیر نشان داده است که ورزش هوازی می‌تواند با این نوع افسردگی مقابله کند. البته بررسی‌ها نشان داده است که هر گونه فعالیت فیزیکی می‌تواند به نوعی از ابتلای زنان باردار به افسردگی جلوگیری کند.

نتایج این بررسی‌ها در مجله انگلیسی "تمرین" منتشر شده است. مطالعات اخیر نشان داده است که ورزش چه به صورت گروهی و چه به صورت فردی کاهش دهنده افسردگی است.

مدیر این تحقیقات در این رابطه می‌گوید: معمولاً به زنان باردار توصیه می‌شود که با روان‌درمانی و داروهای ضد افسردگی به مقابله با افسردگی بروند اما ورزش کردن نیز می‌تواند مفید باشد. ممکن است افراد دسترسی به روان‌درمانی نداشته باشند. ورزش کم هزینه و قابل دسترسی است.

بسیاری از مادران تصور می‌کنند که اگر درباره افسردگی خود صحبت کنند قضاوت می‌شوند و جرات صحبت در این باره را ندارند. با این وجود این افراد باید افسردگی را جدی بگیرند.

ممنوعیت فروش نوشیدنی‌های شیرین به کودکان زیر ۱۷ سال، و محدود کردن قوانین منطقه ای برای فروش نوشیدنی‌های شیرین و تنقلات در اطراف مدارس و مناطق کم درآمد که تحت تاثیر چاقی قرار دارند، مشابه قوانین الکل و الکلیسم قرار دارد. اقتصاددانان، با این حال، در مورد اینکه آیا مالیات مصرف کنندگان، به طور مثال مالیات سودا که در بسیاری از ایالات متحده پیشنهاد شده، موثرترین راه برای محدود کردن مصرف قند است یا نه، مباحثه می‌کنند. اقتصاددانان دانشگاه ایالتی



زن روز

تا نهمان سازم از تو بار دگر
راز این خاطر پریشان را
می‌کشم بر نگاه ناز آلود
نرم و سنگین حجاب مژگان را
دل گرفتار خواهم جانشوز
از خدا راه چاره می‌جویم
شاید اینرا شنیده‌ای که زنان
در دل «آری» و «نه» به لب دارند
ضعف خود را عیان نمی‌سازند
رازدار و خموش و مکارند
آه، من هم زنم، زنی که دلش
در هوای تو می‌زند پر و بال
دوستت دارم ای خیال لطیف
دوستت دارم ای امید محال



فروغ فرخزاد

به خاطر سلامتی‌تان بایستید

روند فرسایشی نشستن، ایستادن و نفس کشیدن در هر ۲۰ دقیقه است و اینکه در هر ساعت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه بایستیم. شما می‌توانید از برنامه‌های یادآوری کامپیوتری استفاده کنید تا به شما یادآوری کند که چه مدت زمانی نشسته‌اید و باید بایستید و تحرک داشته باشید. شما با این روش، زمان کوتاه‌تری می‌نشینید و طوری گردش خون را تنظیم می‌کنید که اکسیژن بیشتری به مغز برسد. با روی کار آمدن میزهای ایستاده، می‌توانید به راحتی در حالت ایستاده، کار کنید. یک مطالعه اخیر در مجله سلامت عمومی ایالات متحده حتی نشان می‌دهد که میزهای ایستاده می‌تواند برای سلامتی کودکان سودمند باشد و به آنها کمک کند وزن خود را با "قطع" رفتار ثبات حفظ کنند.

توجهی افزایش می‌یابد. نشستن زیاد بدن ما را تغییر فرم می‌دهد و حالت بدن را نیز عوض می‌کند. تحقیقات یک موسسه سرطان‌شناسی در آمریکایی نشان داده که زنان غیر فعال و آنهایی که بیش از شش ساعت در روز نشسته بودند ۹۴ درصد بیشتر از دیگران در طول دوره مطالعات ۱۲ ساله این موسسه جان خود را از دست دادند. در حالیکه کسانی که به نسبت این افراد بیش از ۳ ساعت ورزش در روز داشتند، طول عمری بیشتری داشتند. ورزش منظم حتی برای مقابله با شیوه زندگی که در آن شما شش تا ده ساعت در روز کار می‌کنید، به اندازه کافی کارآمد نیست. به خصوص اگر بعد از آن دو یا سه ساعت دیگر هم روی صندلی بنشینید و به تماشای برنامه مورد علاقه خود مشغول شوید.



علاوه بر این می‌توانید از تردمیل استفاده کنید و برخی کارها را همزمان با تمرین روی تردمیل انجام دهید. می‌توانید در محل کار از دیگر همکاران خود بخواهید که کمی در سالن محل کار با شما پیاده روی کنند و یا برخی فعالیت‌های بدنی با هم انجام دهید. اگر شما مجبور به شرکت طولانی در یک جلسه هستید، لازم است که پس از نیم ساعت تمرینات کششی انجام دهید. راه‌های آسان برای تحرک در محیط کار: به جای ارسال ایمیل، از دفتر کار بیرون بروید و با همکار خود ملاقات کنید. قرارهای خود را به رستوران‌های دورتر، پارک‌های آن سوی شهر و محل‌های تازه‌ای در نقاط دور منتقل کنید. می‌توانید به جای سفارش غذا به رستوران بروید یا ماشین خود را در جای دورتری از محل کار پارک کنید. آب بیشتری بخورید.

مطالعات تازه نشان داد که نشستن بیش از آنچه ما از وضعیت سلامتی خود پیش‌بینی می‌کنیم، بدن ما را نابود می‌کند، حتی اگر زمان منظمی را به ورزش کردن اختصاص دهیم. بدن ما در حالت نشسته چگونه است؟ یکی از چیزهایی که در هنگام نشستن اتفاق می‌افتد لیپوپروتئین است که نقش مهمی در شکستن چربی در جریان خون دارد و فقط چند دقیقه اول پس از نشستن غیر فعال می‌شود. کمبود این لیپوپروتئین همچنین جریان خون را کاهش می‌دهد، که باعث کاهش پراکندگی اکسیژن در بدن می‌شود. به نوبه خود، اعصاب و عضلات "خواب آلود" و فعالیت مغز به علت کم‌اکسیژن کاهش می‌یابد. جای تعجب نیست که بعد از مدتی نشستن، ما کمتر سازنده و خلاقانه فکر می‌کنیم، چون مغز ما به اکسیژن بیشتری نیاز دارد. چگونه این مشکل را حل کنیم؟ با ایستادن بهترین روش برای نجات خودمان از

تحرک ندارد و ما از بدن خود زیاد استفاده نمی‌کنیم و ساعت‌ها در یک مکان نشسته‌ایم. بیشتر وقت را در مقابل کامپیوترهایمان یا دیگر دستگاه‌های دیجیتال مثل تلویزیون‌های کنترل از راه دور نشسته‌ایم. این به معنای نیاز اندک به تحرک برای تحقق نیازهایمان است. چون تقریباً هر چیزی را که می‌خواهیم را با سرعت و بدون تحرک در دسترس داریم. ضرورت رفتن به فروشگاه نیز حتی کاهش یافته است. مردم معمولاً لباس‌هایشان را به صورت آنلاین سفارش می‌دهند، چون یا مشغول درس خواندن هستند یا باید نظافت منزل را انجام دهند. اما به ما به این شیوه زندگی عادت ندارند و در آرامش نیست. ما برای ایستادن و تحرک ساخته شده‌ایم و هنگامی که ما این کار را نکنیم، شانس ما برای داشتن بدنی سالم کاهش می‌یابد. همه چیز از افزایش وزن، به دیابت نوع ۲ به بیماری قلب و کلیه پیش می‌رود و به طور قابل



آیووا به رهبری جان بگین پیشنهاد می‌کنند که مالیات شیرین کننده را در سطح تولید کننده افزایش دهند، نه محصول نهایی حاوی قند. این مفهوم که سال گذشته در مجله سیاست اقتصادی معاصر منتشر شده، به شرکت‌ها انگیزه ای برای افزودن شیرین کننده‌های کمتری به محصولات خود می‌دهد. با این همه، شربت ذرت با فروکتوز بالا در مواد غذایی در همه جا در دسترس است و به دلیل اینکه آن بسیار ارزان بوده و به عنوان یک جایگزین مناسب برای مواد با کیفیت بالا تر، مانند سبزیجات تازه در غذاهای فرآوری شده است. برخی محققان معتقدند که ریشه اصلی چاقی و بیماری‌های مزمن، چربی اشباع شده است نه قند. دیگران ادعا می‌کنند که این ریشه، غذاهای فرآوری شده بالا به همراه کربوهیدرات‌های ساده است. هنوز هم گروهی از آنها استدلال می‌کنند که این ریشه به دلیل کمبود فعالیت‌های فیزیکی است. البته تمامی این موضوعات می‌توانند اهمیت داشته باشند.

کلمات شیرین در مورد قند

سابقه آن به خوبی شناخته شده است: در ایالات متحده بیش از دو سوم جمعیت دارای اضافه وزن هستند و نیمی از آنها چاق هستند. طبق نظر نویسندگان UCSF در این نظرسنجی که توسط رابرت لوستیک رهبری می‌شود، در حدود ۸۰ درصد از کسانی که چاق هستند، دچار دیابت یا اختلالات متابولیسم بوده و زندگی کوتاهی خواهند داشت. نویسندگان این مقاله می‌گویند که در حدود ۷۵ درصد هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی برای بیماری‌های مرتبط با رژیم غذایی صرف می‌شود. به گفته سازمان بهداشت جهانی در حال حاضر فرد چاق، فردی است که گرفتار سوء تغذیه بیش از حد شده باشد. چاقی یک مشکل بهداشت عمومی در اکثر کشورها است.

به گفته سازمان ملل متحد برای اولین بار در تاریخ بشر، بیماری‌های مزمن مرتبط با رژیم غذایی مانند بیماری‌های قلبی، دیابت و برخی از سرطان‌ها، بیشتر از بیماری‌های عفونی افراد را می‌کشد. نقش شکر در چاقی و بیماری‌های همه گیر مزمن، کمتر شناخته شده و هنوز هم در مورد آن بحث می‌شود. محققان UCSF اعلام کردند که از یک دیدگاه تکاملی، شکر در شکل میوه ای آن، تنها چند ماه از سال و در زمان برداشت میوه در دسترس است، به همین ترتیب، عسل توسط زنبورها محافظت می‌شود و بنابراین یک درمان است، نه یک رژیم غذایی. امروزه، قند اضافه شده در مقایسه با قندهای طبیعی موجود در میوه‌ها، در اغلب غذاها از سوپ گرفته

یک قاشق غذاخوری پر از شکر، ممکن است اثر دارو را کاهش دهد. اما باعث افزایش فشار خون و کلسترول نیز می‌شود، بعلاوه خطر ابتلا به نارسایی کبد، چاقی، بیماری‌های قلبی و دیابت را بالا می‌برد. بنا به یک گزارش که توسط محققان دانشگاه کالیفرنیا سان فرانسیسکو (UCSF) در شماره جاری مجله "Nature" منتشر شده است، شکر و شیرین کننده‌های دیگر، در واقع، برای بدن انسان بسیار سمی است و این ماده باید مشابه الکل، به طور دقیق توسط دولت‌ها در سراسر جهان دوباره تنظیم شوند. محققان، مقرراتی مانند مالیات بر تمام غذاها و نوشیدنی‌هایی که شامل شکر افزوده شده می‌باشد، ممنوعیت فروش در مدارس یا نزدیکی آنها و قرار دادن محدودیت‌های سنی برای خرید آن را، پیشنهاد می‌کنند.

اقتصاددانان برای نجات می‌آیند.

لوستیک، یک پزشک متخصص اطفال در بخش کودکان UCSF، شکر افزوده را با تنباکو و الکل (که به طور تصادفی از شکر ساخته شده اند) مقایسه می‌کند، زیرا آنها اعتیاد آور، سمی و دارای تاثیر منفی بر جامعه هستند، بنابراین، معیارهای سلامتی عمومی را با تنظیم مقرراتی تعیین کرد. لوستیک از یک مالیات برای مصرف کننده هر محصول با شکر افزوده، دفاع می‌کند. در میان پیشنهادات رادیکالی لوستیک،

سانسور شدید مطبوعات را برقرار کرد و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی‌ای در پیش گرفت که به بحران منجر می‌شد. او همچنین هزاران تن از مخالفان خود را به زندان انداخته بود.» (کیمیا - ۳۰ مهر ۱۳۵۶)

برجسته کردن جملات سفیر اسبق آمریکا در تهران در سمپوزیومی درباره ایران که مشترکاً توسط مؤسسه تحقیقات استانفورد و مؤسسه مطالعات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی تهران دوهفته پیشتر در واشنگتن برگزار شده بود (۱۲-۱۳-۱۴ مهر ماه ۱۳۵۶)، به هیچ‌وجه بی‌غرضانه نبود. پدرم فی‌الغور متوجه شد در تیررس حادثه‌ای قرار گرفته که در ده ماه گذشته برای آن روز شماری می‌کرد. او از هنگام انتخاب جیمی کارتر به مقام ریاست جمهوری آمریکا نگران عکس‌العمل پادشاه بود و به اشخاص محرمش گفته بود: «می‌ترسم شاه دوباره خیال کند دموکرات‌ها برنامه‌ای برای ایران دارند که یکی از اجزای آن به نخست‌وزیری رساندن من و از سر گرفتن برنامه اصلاحات سیاسی در ایران است.» با این آمادگی قبلی، پدرم بلافاصله به نوشتن جوابیه‌ای برای کیمیا اقدام کرد. این جوابیه در صفحه اول کیمیا ۸ آبان انتشار یافت:

«این‌جا که من نشست‌ام جای جواب دادن به خرده‌بینی‌ها نیست که هر خواننده یا شنونده عادی جواب آن را از تناقض و گرافه‌ها در متن خبری که ساخته‌اند دریافته است. نخست‌وزیری و استعفای من طبق این دو فقره دستخط شاهانه است که فتوکپی آن‌ها را ضمیمه همین نامه کرده‌ام: «جناب آقای دکتر امینی، نخست‌وزیر - نظر به اعتمادی که به حسن کفایت شما داریم، به موجب این دستخط به سمت نخست‌وزیری منصوب می‌شوید و مقرر می‌داریم در تعیین هیأت وزیران مطالعات لازم به عمل آورده و نتیجه را به اطلاع ما برسانید.»

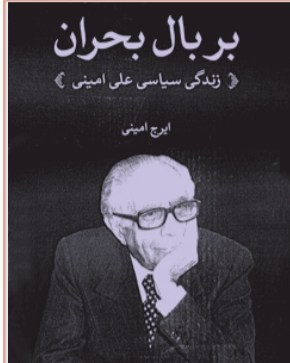
«جناب آقای دکتر علی امینی، گزارش مورخ ۲۶ تیر ماه که مربوط به بودجه کشور بود و زحمتی که در مدت زمامداری خود تحمل نموده‌اید، ملاحظه و مورد بررسی قرار گرفت. از زحمات خستگی‌ناپذیر و صمیمیتی که در کارها همیشه داشته‌اید، کمال قدردانی خودمان را اظهار می‌داریم و با نهایت تأسف استعفای دولت را پذیرفتیم و تا تعیین دولت جدید خودتان با تشریک مساعی معاونان وزارتخانه‌ها مراقب کلیه امور کشور باشید.»

می‌بینید که در آن روزهای مبهم شانزده سال پیش به فرمان شاهانه و نظر به اعتمادی که به حسن کفایت من داشته‌اند به نخست‌وزیری منصوب شده‌ام و پس از چهارده ماه زمامداری استعفا را «با نهایت تأسف» و «کمال قدردانی از زحمات خستگی‌ناپذیر و صمیمیتی که در کارها همیشه داشته‌ام» پذیرفته‌اند. چنین که پیداست نه انتصابم به میل و خواست یک مشاور بیگانه بوده است، آن هم با گروهی ۳۵ میلیون دلار و نه استعفا با آن مایه قدردانی و تأسف «ناچار» و «در برابر اعتراض شدید مردم». پس سازنده آن خبر را و کسی را که دستور انتشار متحدالجمال گونه‌اش را داده است، به حق باید به جرم جسارت و توهین به مقام سلطنت قابل تعقیب دانست. اما هنوز کسی درباره این شایعه که من مملکت را ورشکسته اعلام کرده‌ام، بیان مستند و متینی نکرده است تا جواب بشنود. در حالی که سازنده خبر روز شنبه سی‌ام مهر مغرضانه اوضاع مملکت را در آن روزهای شانزده سال پیش چنان تصویر کرده است که وام دهنده در مقابل ۳۵ میلیون دلار می‌توانسته است فقط به من اعتماد کند و به مملکتی، نخست‌وزیر تحمیل کند. ۳۵ میلیون دلار که می‌دانیم امروز در دورانی که شکستگی اقتصاد می‌نامند، هر معامله‌گر ایرانی به سادگی توانایی خرج کردن آن را دارد. درباره سانسور شدید مطبوعات و زندانی کردن هزاران نفر از مخالفان خود، دیگر چیزی نمی‌گویم که، حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد - زمانه راورق و دفتری و دیوانی است.» «ذنباله دارد»

داستان روی کار آمدن دکتر امینی با فشار آمریکا

باز نشر

چرا و چگونه طرح مصونیت مستشاران آمریکایی در دولت امینی مسکوت گذارده شد



بر بال بحران

زندگی سیاسی علی امینی

علی امینی

نگاهی به زندگی سیاسی، خاطرات و یادداشت‌های دکتر علی امینی (۵)

آمریکا در تهران، برنامه آمریکا برای مداخله در ایران فاش شد. واشنگتن - خبرگزاری پارس
۱- اعلام ورشکستگی کشور
۲- زندانی شدن هزاران نفر از مخالفان
۳- کوشش برای کاهش نیروی دفاعی



دکتر امینی و همسرش، بتول امینی، هنگام عزیمت به اروپا

برنامه ویژه برای مداخله در امور ایران را از مشاورانش خواسته بود.

دکتر علی امینی یکی از تأثیرگذارترین رجال سیاسی ایران در سال‌های بعد از جنگ دوم تا انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. او که در یک خاندان سیاسی و اشرافی چشم به جهان گشوده بود، در اروپا تحصیل کرد و در بازگشت به ایران به دعوت علی‌اکبر داور وزیر دارایی زمان رضاشاه وارد خدمات دولتی شد اما زندگی سیاسی وی از معاونت نخست‌وزیر در کابینه قوام‌السلطنه (سال ۱۳۲۱) آغاز می‌شود. از آن پس دکتر امینی مستمراً در صحنه سیاست حضور داشت و چندین بار وزیر و یک بار نخست‌وزیر شد. ایرج امینی، تنها فرزند دکتر امینی، اخیراً کتابی را که سال‌ها برای تهیه و تنظیم آن صرف وقت کرده است با نام «بر بال بحران - زندگی سیاسی علی امینی» در تهران انتشار داد. از این کتاب، دو بخش آخر آن را که به دوران نخست‌وزیری دکتر امینی و نیز نقش او در سال‌های بحرانی منجر به انقلاب اسلامی مربوط می‌شود برای مطالعه شما برگزیده‌ایم که می‌خوانید.

در همان صفحه اول «نکات مهم برنامه جان کندی در ایران» به این صورت درج شده بود:
۱- اعلام ورشکستگی کشور
۲- زندانی شدن هزاران نفر از مخالفان
۳- کوشش برای کاهش نیروی دفاعی

در این باره می‌نویسد: «... در مراجعت گاه‌گاه سلام می‌رفتم، ولی تبریک از طرف منصورالملک گفته می‌شد و من زیردست ایشان بودم. من دیدم شاه زیر چشم به من نگاه می‌کرد ولی هیچ‌وقت صحبتی نمی‌کرد. به این شکل ایشان را هیچ وقت جز در مراسم رسمی نمی‌دیدم. حتی بعد از فوت منصورالملک که نوبت تبریک به من رسیده بود، هر وقت نطق من تمام می‌شد در مراسم مذهبی چند کلمه‌ای خطاب به من می‌گفت، ولی در سلام‌های چهارم آبان فقط به تشکر قناعت می‌کرد. به حاضرین که وزرای سابق، استانداران سابق و سفرای سابق بودند و عده‌ای از آن‌ها با وجود کهولت سن حاضر می‌شدند، نه فقط آن‌ها را نگاه نمی‌کرد، بلکه خطاب به من یا حتی منصورالملک می‌گفت که: صف شما دراز شده است، و یا این که: همان افراد سابق هستند. یاد دارم روزی بعد از ایراد این عبارت آقای سیدجلال تهرانی که جزو حاضرین بود بلند گفت (به‌طوری که شاه که در حال خروج از سالن بود قطعاً شنید) عجله نفرمایید خواهند مرد!»

باشد. با سفرهای مکرر مادرم به اروپا، خانه الهیه تدریجاً حالت منزل پارک امین‌الدوله را پیدا کرد. در این فاصله که به قول دکتر امینی «بی‌مهتری شاه به بی‌تفاوتی تبدیل شده بود»، دو مرتبه ایشان به مراسم سلام یا مراسم رسمی دیگر دعوت شد. پدرم در این باره می‌نویسد:

«... در مراجعت گاه‌گاه سلام می‌رفتم، ولی تبریک از طرف منصورالملک گفته می‌شد و من زیردست ایشان بودم. من دیدم شاه زیر چشم به من نگاه می‌کرد ولی هیچ‌وقت صحبتی نمی‌کرد. به این شکل ایشان را هیچ وقت جز در مراسم رسمی نمی‌دیدم. حتی بعد از فوت منصورالملک که نوبت تبریک به من رسیده بود، هر وقت نطق من تمام می‌شد در مراسم مذهبی چند کلمه‌ای خطاب به من می‌گفت، ولی در سلام‌های چهارم آبان فقط به تشکر قناعت می‌کرد. به حاضرین که وزرای سابق، استانداران سابق و سفرای سابق بودند و عده‌ای از آن‌ها با وجود کهولت سن حاضر می‌شدند، نه فقط آن‌ها را نگاه نمی‌کرد، بلکه خطاب به من یا حتی منصورالملک می‌گفت که: صف شما دراز شده است، و یا این که: همان افراد سابق هستند. یاد دارم روزی بعد از ایراد این عبارت آقای سیدجلال تهرانی که جزو حاضرین بود بلند گفت (به‌طوری که شاه که در حال خروج از سالن بود قطعاً شنید) عجله نفرمایید خواهند مرد!»

خاموش نشستن گناه است

در روز ۲۰ مهر ماه ۱۳۵۶ کیمیا با تیتیر بزرگ در صفحه اول نوشت: «توطئه آمریکا برای مداخله در ایران فاش شد.» ذیل این عنوان با حروف

فشاری در روزنامه‌ها در اروپا تقریباً به همان روای زندگی ایران می‌گذشت. با این فرق که هر روز یادداشت‌های روزانه می‌نوشت و حدود ۱۱ صبح به کافه رستوران برتراند می‌رفت و با بعضی از ایرانی‌های مقیم ژنو درباره مسائل روز حرف می‌زد. صحبت کردن با مرحوم جمال‌زاده هم یکی از دلخوشی‌هایش شده بود. بعضی شب‌ها برای صرف شام به رستوران شیراز که متعلق به اسفندیار بزرگمهر بود، می‌رفت. در آن زمان سیهید بختیار به قتل رسیده بود.

در مراجعت‌های سالانه به ایران به غیر از دیدار با دوستان و بستگان، به توسعه درمانگاه امین‌الدوله در کهریزک مشغول می‌شد. در یکی از همین سفرها مرحوم دکتر محمدرضا حکیم‌زاده پیشنهاد کرد که امر توسعه درمانگاه به وی واگذار شود. در ظرف چند سال این مرد با پشتکار، پاک و خیر موفق شد که با استفاده از زمین‌هایی که موقوفه درمانگاه امین‌الدوله بود و مساعدت‌های دولتی و غیردولتی، بزرگ‌ترین آسایشگاه معلولین کشور را بنا کند. دیدار از آسایشگاه و مشاهده پیشرفت آن یکی از لذت‌های بزرگ پدرم در اقامت‌های کوتاه مدتش در ایران بود.

در سال ۱۳۵۴ پدرم و مادرم تصمیم گرفتند بیشتر وقت خود را در ایران بگذرانند. به این منظور خانه پارک امین‌الدوله را به فروش رساندند و در اراضی خانوادگی الهیه، خانه جدیدی بنا کردند. از آنجایی که مادرم شرط کرده بود که ارباب رجوع دکتر امینی در محلی غیر از خانه به ملاقات او بیایند، پدرم آپارتمانی در خیابان خردمند شمالی به اسم من ایتباع نمود. فکر نمی‌کنم بیش از چندبار در این دفتر کار از کسی پذیرایی کرده



اما در همان مدت کوتاه ورشکستگی کشور را اعلام کرد و کوشید تا نیروی دفاعی مملکت را کاهش دهد. امینی

براساس این برنامه، آمریکا مبلغ ۳۵ میلیون دلار به ایران وام می‌داد. آن هم در شرایطی که اوضاع مالی ایران بسیار

بقیه مطلب در صفحه ۳۰ روزنامه به شرح زیر مندرج شده بود: به وسیله آرمین مایر، سفیر پیشین

فرمز نوشته شده بود: «علی امینی در برابر ۳۵ میلیون دلار وام آمریکا به نخست‌وزیری رسید.»

با تصمیم ترامپ «سواری مجانی جمهوری اسلامی از اقتصاد جهانی» پایان یافت



دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا خروج کشور از توافق اتمی را روز هشتم ماه مه ۲۰۱۸ چهار روز پیش از مهلت مقرر اعلام کرد

ترامپ طرح تغییر رژیم در ایران را بررسی می کند



مسئله کار کرده. وقتی پزیریدنت ترامپ بولتون را استخدام کرد کاملاً از نظریات و مواضع وی آگاه بود. دولت حالا با چشمان کاملاً باز مسیر مقابله قاطعانه با ریشه تمام بحران‌ها و خشونت‌ها در منطقه را پیش خواهد گرفت.»

طرح خطرناک حمایت از تجزیه‌طلبان
طرح اس.اس.جی. حساب ویژه‌ای نیز روی نیروهای تجزیه‌طلب برای تضعیف رژیم باز می‌کند. چنانکه در طرح آمده: «بازبرگان منطقه‌ای که با سازمان ما صحبت کرده‌اند به ما گفته‌اند که یک سوم جمعیت ایران را اقوامی تشکیل می‌دهند که بسیاری در میان آنها به دنبال جدایی هستند. حمایت آمریکا از حرکات جدایی‌طلبانه این نیروها، چه به صورت علنی و چه مخفیانه، می‌تواند رژیم ایران را مجبور کند تا نیرویش را صرف مقابله با این حرکات تجزیه‌طلبانه کند و بدین ترتیب توانش برای دخالت در منطقه را از دست بدهد.»

مطابق آنچه در طرح آمده، آمریکا تا به حال نتوانسته حمایت قابل توجهی از مخالفان رژیم که تشنه تغییر در ایران هستند به عمل آورد: «سیاست حال حاضر آمریکا در قبال ایران در دو محور عمده نقص دارد: یکی آزادی ایرانیان بر مبنای حق حاکمیت مردم ایران - که این باید سیاست رسمی آمریکا در قبال ایران باشد؛ دیگری برنامه‌ریزی دقیق و جدی برای دخالت نظامی در صورت به بن بست رسیدن تمام راه‌های دیگر.»

یک استراتژی واقعی‌ایانه: تغییر رژیم به سود مردم
طرح یادآوری می‌کند که علاوه بر تلاش برای جلوگیری از دستیابی رژیم ایران به بمب اتم، دولت ترامپ باید برای برخورد با رژیم در صورت حمله تمام‌عیارش به اسرائیل و نیروهای آمریکایی در منطقه یک استراتژی نظامی مشخص داشته باشد. با این وجود اس.اس.جی. تأکید می‌کند که برای برخورد با رژیم آخوندی «یک گزینه سخت واقع‌گرایانه وجود دارد؛ و آن گزینه جنگ تمام‌عیار با رژیم آخوندی یا اشغال خراج‌بردار و بلندمدت نیست.» از نظر اس.اس.جی. آن گزینه تغییر رژیم در ایران است، که آمریکا بدون آن مدام با تهدیدهای نیروهای رژیم ایران در خاورمیانه در جاهایی همچون عراق، یمن، سوریه و لبنان روبرو خواهد شد.

طرح اس.اس.جی. واقع‌گرایانه بیان می‌کند که «احتمال اینکه رژیم ایران فعالیت‌های اتمی‌اش را با میل و رغبت یا حتی تحت فشارهای شدید بین‌المللی متوقف کند بسیار کم است. بنابراین، اگر آمریکا نخواهد رژیم ایران را تغییر دهد، باید یا یک ایران اتمی را بپذیرد یا برای جلوگیری از دستیابی رژیم ایران به بمب اتم به تاسیسات اتمی‌اش حمله کند.»

در پایان، اس.اس.جی. تأکید می‌کند دولت‌مردان آمریکا باید تلاش کنند بین طبقه حاکم و مردم ایران تفاوت قائل شوند. این نکته‌ای است که ترامپ در پیام‌های مختلف و همچنین در بیانیه خروج آمریکا از برجام به آن توجه نشان داد. چنانکه طرح می‌گوید: «هرگونه موضع‌گیری عمومی در مورد ایران و هرگونه پیام به رژیم ایران باید کاملاً خط‌کشی میان حکومت آخوندی سرکوبگر و مردم رنج‌دیده ایران را مشخص کند. ما باید به مردم ایران کمک کنیم تا بوفی را که رژیم آخوندی در گردنشان انداخته فرو افکنند و به آزادی که شایسته‌ی آن هستند دست یابند.»

آمریکا از همان ابتدا در دستور کار قرار داشت.» تلاشی که به گفته این استاد دانشگاه «تا کنون ناموفق» بوده است. محمود سریع‌القلم معتقد است که اگر سیاست خارجی جمهوری اسلامی تا نیمه دهه میلادی ۹۰ میلادی به دنبال صدور انقلاب بود، زمانی که در آمریکا مسئله تغییر نظام در ایران مطرح شد، با روی آوردن به برنامه‌های اتمی، سیاست خارجی‌اش را در خدمت «ماندن در قدرت» به کار گرفت.

این استاد دانشگاه بر این نظر است که در جمهوری اسلامی، سیاست خارجی را نه دولت بلکه رأس نظام ترسیم می‌کند، در حالی که حل مشکلات اقتصادی بر گردن نهاد اجرایی است. این دوگانگی، به گفته محمود سریع‌القلم، ریشه بسیاری از مشکلات در روابط ایران با جهان خارج است. در اثبات این نظریه، این استاد دانشگاه یادآوری کرد که در مناظرات تلویزیونی که پیش از انتخابات ریاست جمهوری در ایران

احمد رأفت - هنوز ۲۴ ساعت از امضای دونالد ترامپ بر فرمان بازگرداندن تحریم‌های علیه جمهوری اسلامی ایران و اعلام خروج آمریکا از «برنامه جامع اقدام مشترک» نگذشته بود، که «چتم هاوس» لندن، مهمترین اندیشکده بریتانیا، کنفرانسی در رابطه با سیاست خارجی تهران با شرکت محمود سریع‌القلم استاد دانشگاه در تهران و صنم وکیل پژوهشگر با مدیریت ناتومی بار- یاکوف برگزار کرد. اگرچه این کنفرانس از قبل برنامه‌ریزی شده بود، ولی با نگاه به همین احتمال در دستور کار این اندیشکده قرار گرفته بود.

محمود سریع‌القلم در سخنرانی کوتاه خود تلاش کرد مبنای فکری و عملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته را بطور خلاصه بیان کند. این استاد دانشگاه در ابتدا اشاره کرد که سیاست خارجی نظام انقلابی از بدو تشکیل جمهوری اسلامی با تأثیرپذیری از گفتمان آن سال‌های جنبش‌های چپ، آغشته به باورهای «ضد امپریالیستی» و «ضد آمریکایی» بود؛ باورهایی که از همان ابتدا با باورهای «ضد اسرائیلی»

برگزار می‌شوند، کاندیداها در مورد تمام مسائل به مصاف یکدیگر می‌روند ولی هرگز اشاره‌ای به سیاست خارجی نمی‌کنند. سیاست خارجی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی، به گفته این استاد

برگزار می‌شوند، کاندیداها در مورد تمام مسائل به مصاف یکدیگر می‌روند ولی هرگز اشاره‌ای به سیاست خارجی نمی‌کنند. سیاست خارجی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی، به گفته این استاد

برگزار می‌شوند، کاندیداها در مورد تمام مسائل به مصاف یکدیگر می‌روند ولی هرگز اشاره‌ای به سیاست خارجی نمی‌کنند. سیاست خارجی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی، به گفته این استاد

برگزار می‌شوند، کاندیداها در مورد تمام مسائل به مصاف یکدیگر می‌روند ولی هرگز اشاره‌ای به سیاست خارجی نمی‌کنند. سیاست خارجی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی، به گفته این استاد

برگزار می‌شوند، کاندیداها در مورد تمام مسائل به مصاف یکدیگر می‌روند ولی هرگز اشاره‌ای به سیاست خارجی نمی‌کنند. سیاست خارجی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی، به گفته این استاد

برگزار می‌شوند، کاندیداها در مورد تمام مسائل به مصاف یکدیگر می‌روند ولی هرگز اشاره‌ای به سیاست خارجی نمی‌کنند. سیاست خارجی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی، به گفته این استاد

این طرح سیاست خارجی بلندمدت آمریکا درباره ایران را از طریق تأکید بر یک راهبرد علنی تغییر رژیم تعیین می‌کند، یعنی کاری که دولت اوباما از آن خودداری کرد هنگامی که مردم ایران در سال ۲۰۰۹ در تظاهراتی گسترده علیه رژیم به خیابان‌ها آمده بودند.

دولت آمریکا به شدت تلاش می‌کند رفتار رژیم ایران را عوض کند. سیاست رسمی ما تغییر رفتار رژیم ایران است که مدام منطقه را ناامن کرده و از تروریسم حمایت می‌کند.

سیاست حال حاضر آمریکا در قبال ایران در دو محور عمده نقص دارد: یکی آزادی ایرانیان بر مبنای حق حاکمیت مردم ایران - که این باید سیاست رسمی آمریکا در قبال ایران باشد؛ دیگری برنامه‌ریزی دقیق و جدی برای دخالت نظامی در صورت به بن بست رسیدن تمام راه‌های دیگر.

رضا پرچی‌زاده - مطابق اخباری که از واشنگتن به گوش می‌رسد، دولت پزیریدنت ترامپ در حال بررسی طرح‌هایی است که هدفشان کمک به مردم ایران برای عبور از رژیم جمهوری اسلامی است. وبسایت خبری-تحلیلی «واشنگتن فری بیکن» که به طور غیررسمی مواضع کاخ سفید را رسانه‌ای می‌کند، اخیراً به طرحی دست یافته که نشان می‌دهد کاخ سفید مشغول کار کردن روی براندازی رژیم از طریق حمایت از جنبش‌های مردمی و بدون دخالت نظامی است. این طرح سه‌صفحه‌ای که اخیراً در میان اعضای کمیته امنیت ملی آمریکا در کاخ سفید دست به دست می‌شود به ترامپ پیشنهاد می‌کند از طریق برنامه‌های دموکراتیک که میان مردم ایران و حکومت آخوندی فاصله می‌اندازد به دنبال تغییر رژیم در ایران باشد.

حمایت از جنبش‌های مردمی و نه جنگ
طراح این پیشنهادات، «گروه مطالعات امنیتی» (Security Studies Group) یا اس.اس.جی.، اندیشکده‌ای امنیتی است که روابط نزدیکی با مقامات امنیتی کاخ سفید شامل جان بولتون دارد. این طرح سیاست خارجی بلندمدت آمریکا درباره ایران را از طریق تأکید بر یک راهبرد علنی تغییر رژیم تعیین می‌کند، یعنی کاری که دولت اوباما از آن خودداری کرد هنگامی که مردم ایران در سال ۲۰۰۹ در تظاهراتی گسترده علیه رژیم به خیابان‌ها آمده بودند. چنانکه واشنگتن فری بیکن می‌گوید، طرح اس.اس.جی. در کاخ سفید مورد توجه قرار گرفته، چرا که دولت آمریکا از زمان ورود بولتون به کاخ سفید خودش در همین مسیر حرکت می‌کند. این طرح دخالت نظامی آمریکا را اولین گزینه نمی‌داند، و به جای آن روی حمایت از مردم ایران و روحیه دادن به آنها تکیه می‌کند، که خودشان به خاطر سرمایه‌گذاری سنگین رژیم روی ماجراجویی نظامی در منطقه از



صنم وکیل



محمود سریع‌القلم

علوم سیاسی و روابط بین‌المللی، تنها به خصوصت با آمریکا و اسرائیل خلاصه می‌شود.

سواری مجانی از اقتصاد جهانی
سریع‌القلم تنها دلیل توافق ایران بر سر مسئله هسته‌ای را اقتصادی می‌داند. وی در کنفرانس لندن گفت تهران تنها به دنبال خروج از انزوای اقتصادی و گسترش روابط اقتصادی با جهان و جلب سرمایه خارجی بود. اشتباه جمهوری اسلامی، از نگاه این سخنران، جداسازی روابط اقتصادی از سیاسی است. محمود سریع‌القلم معتقد است که «جمهوری اسلامی با برجام در نظر داشت مجانی از اقتصاد جهانی سواری بگیرد»، در حالی که

محمود سریع‌القلم ضمن تأکید بر مشکلات عدیده جمهوری اسلامی در زمینه اقتصادی، به «مشکل برقراری رابطه اقتصادی با غرب» اشاره کرد و گفت «ایجاد تفرقه بین اروپا و

جان سپردن سالانه ۸۰۰ کارگر در محیط کار؛ دولت به شعارها و وظایفش عمل نمی کند



● در سال‌های گذشته سالانه حدود ۸۰۰ کارگر به دلیل حوادث ناشی از کار در کشور جان سپرده‌اند. یکی از اصلی‌ترین دلایل بالا بودن مرگ کارگران بی‌توجهی به ایمنی محیط کار از سوی کارفرمایان و همچنین بزرگترین کارفرمای کشور یعنی دولت است.

کار از سوی کارفرمایان خصوصی و بزرگترین کارفرمای کشور یعنی دولت است که برخلاف شعارها و ادعاها به هیچ وجه روی ایمنی محیط کار سرمایه‌گذاری نمی‌کند. بر اساس آمارهای دولتی ۳ میلیون و ۶۷۰ هزار کارگاه کوچک و ۹ هزار کارگاه بزرگ در کشور به کار مشغولند، در حالی که تنها یک‌هزار و ۱۰۰ بازرسی کار در کشور وجود دارد. در این شرایط به گفته مقام‌های مسئول، بازرسی از هر کارگاه فقط ۵ سال یک بار امکان‌پذیر است.

این در حالیست که ماده ۹۱ قانون کار، کارفرمایان را مسئول کرده است بر اساس مصوبات شورای عالی حفاظت فنی، «حفاظت و سلامت و بهداشت کارگران در محیط کار» را تضمین کنند.

همچنین ماده ۹۵ قانون کار هم تاکید کرده است در صورت وقوع حادثه کارفرما یا مدیر کارگاه از نظر کیفی و حقوقی و مجازات‌های مندرج در قانون کار مسئول است. اما این دو ماده مثل سایر مواد و همچنین مانند کل قانون کار عملاً اجرا نمی‌شود زیرا قدرت مستقل کارگران برای تحمیل قوانین ایمنی محیط کار و پیروی از قوانین و مصوبات به هیچ وجه کافی نیست.

در همین حال ابوالفضل اشرف منصوری رئیس کانون مسئولان ایمنی و بهداشت کار کشور نیز معتقد است تا زیرساخت‌های لازم فراهم نشود، دو شعار «ایمنی و سلامت نسل» و «بهبود ایمنی بهداشت کارگران جوان

و مقابله با کار کودکان» مطرح شده از سوی سازمان جهانی کار در حد شعار باقی می‌ماند و اجرا نمی‌شود.

این فعال صنفی همچنین معتقد است اگر دولت اجازه فعال شدن انجمن‌های صنفی را بدهد بسیاری از مشکلات به دست این انجمن‌ها قابل حل است: «اگر دست‌تنگی‌ها را نمی‌گیرید، لااقل پایشان را ول کنید! ما در بحث ایمنی هزار جور ظرفیت عملیاتی و اجرایی داریم و خیلی می‌توانیم موثر باشیم اما نهادهای حاکمیتی که صفر تا صد کار را در اختیار گرفته‌اند، اعتمادی به این ظرفیت‌های عملیاتی که می‌تواند شکل اجرایی بگیرد، ندارند. می‌خواهم بگویم که ما علاوه بر زیرساخت، به نهادهای مردمی هم احتیاج داریم و تاکید دارم که گر کار به دست آنها باز می‌شود. از طرفی باید دخالت ادارات دولتی در امور صنفی کنترل شده باشد و در نهایت قطع شود. اما حالا هیچ انجمن صنفی موفق نیست مگر اینکه تحت سلطه ادارت دولتی و گوش به فرمان باشد!»

دولت در حالی نسبت به ایجاد استانداردهای لازم در محیط کار بی‌تفاوت است که سازمان بین‌المللی کار با هدف حفظ ایمنی کارگران، ارتقای بهداشت محیط‌های کارگاهی، مقابله با بیماری‌های شغلی و پیشگیری از حوادث کار، از کشورهای که به مقاله‌نامه‌های مربوط به ایمنی و بهداشت کار پیوسته‌اند، خواسته است که شرایط مورد نظر این سازمان را در کارگاه‌ها پیاده کنند.

کتاب‌های ناشران افغان در توقیف گمرک: درخواست ضمانت ۵ میلیونی از ناشران

● رئیس گمرک نمایشگاه از دلایل اصلی این توقیف اظهار بی‌اطلاعی کرده است.

● رئیس نمایشگاه کتاب تهران: مشکل بیشتر به مشکلات ساده اداری مثل کامل نبودن فرم‌ها و غیره بر می‌گردد که موضوعی جدی نیست.

گمرک ایران محموله‌ای از کتاب‌های چهار ناشر افغانستانی را در مرز دوغارون توقیف کرده است. این کتاب‌ها قرار بود در نمایشگاه بین‌المللی کتاب از سوی افغانستان به عنوان «نخستین مهمان ویژه کتاب تهران» عرضه شود!

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در حالی ششمین روز خود را پشت سر می‌گذارد که گمرک ایران محموله‌ای شامل ۲۸ کارتن کتاب از کتاب‌های ناشران افغانستان را در مرز دوغارون توقیف کرده است. این کتاب‌ها به منظور نمایش و عرضه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب راهی ایران شده‌اند.

توقیف کتاب ناشران افغان در حالی انجام شده که به گفته شیراحمد سیدی رئیس اتحادیه ناشران افغانستان، «تمامی نامه‌نگاری‌های لازم با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین مسئولان گمرک سی و یکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب

تهران برای انتقال این کتاب‌ها به مصلی و عرضه در نمایشگاه صورت گرفته و مجوزهای لازم دریافت شده است.»

مسئولان گمرک دوغارون دلیل روشنی برای توقیف این کتاب‌ها نیابوده‌اند ولی گفته‌اند که «تمامی این محموله‌ها باید باز شود و کتاب‌ها تک به تک مورد بازرسی قرار گیرد.» آنگونه که رئیس اتحادیه ناشران افغانستان اعلام کرده، گمرک دوغارون ضمانت نقدی به مبلغ ۵ میلیون تومان از ناشران طلب کرده و حالا قرار است دو میلیون تومان از این مبلغ پرداخت شود تا «آسیبی به روابط ناشران دو کشور وارد نشود» و «زمینه‌های ابتدایی حل مشکل را فراهم کنند.»

با این حال، سیدی رئیس اتحادیه ناشران افغانستان در ششمین روز برگزاری نمایشگاه کتاب تهران اعلام کرده که «چنانچه تکلیف این کتاب‌ها تا چند ساعت آینده در گمرک دوغارون مشخص نشود، ما محموله کتاب‌ها را به افغانستان برمی‌گردانیم.»

محموله‌ی توقیف‌شده شامل ۲۸ کارتن کتاب و نزدیک به ۲۰۰۰ جلد از کتاب‌های چهار مؤسسه انتشاراتی سعید، واژه، کودکانه و نعمانی است. این کتاب‌ها با مضامین گوناگون از قبیل رمان، شعر، تاریخ، سیاست و اقتصاد که بیشتر معرف فرهنگ و تاریخ افغانستان هستند انتخاب شده‌اند.

حجت‌الاسلام محمد خاتمی: زنان در ... از صفحه ۶

او تنها رییس جمهوری است که برای رهبر خط و نشان کشیده، با همه تنفرم از او و هم‌پیمانانش جراتی که در اعتراض به این سیستم به خرج داد تحسین می‌کنم. البته باید به این کاربر گوشزد کرد که این را هم باید دقت داشت که «اعتراض به یک سیستم» از کدام موضع است: مترقی یا ارتجاعی‌تر از وضع موجود؟! درست مثل اعتراض خمینی و خامنه‌ای و خاتمی به دوران پهلوی!

روشن است که خاتمی جزو و عضو نظام است و حمایت‌های او از جمهوری اسلامی و چشم فرو بستن‌هایش بر واقعیات قابل درک است. او در این صحبت‌های خود حتی چارچوب خود اصلاح‌طلبان در مورد آزادی و حقوق فردی و اجتماعی را هم زیر پا گذشته است. در عین حال همیشه بدترین

رضاشاه و موسیقی ایران از صفحه ۵

نوشین از جمله همکاران برجسته این نشریه بودند. مجله «موسیقی» در این دوره توانست برای نخستین بار یک‌سازمان تحقیقات عامیانه فرهنگی تاسیس کند. در این سازمان علاوه بر هنرهای هفتگانه به موسیقی محلی و عامیانه ایران اهمیت بسیار داده شده است. دنباله کار همان هنرمندان را آیندگان برعهده گرفتند و همچنان مشغول فعالیت‌اند. اینها همه با حضور و وجود رضاشاه عملی می‌توانست شد.

حالا روزگار را ببینید، کسانی که چنانه فرضی رضاشاه را پیدا کرده‌اند زمان را مساعد دیده‌اند که او را خائن به وطن و مخدوش‌کننده هنرهای ملی بدانند. رضاشاه اگر نمی‌بود به نظر نمی‌رسد که ایران ما همین چهار تا و نیمه بنیاد را هم داشته باشد. اینان بجای پرورش فرهنگ ملی دست به غارت ملی زده‌اند و باید روزی در برابر مردم پاسخگو باشند.

از این فرصت به دست آمده می‌توان حداکثر بهره را گرفت و به محیط فرهنگی دوره رضاشاه، ایده‌آل‌های فرهنگی او و طرح‌هایی که برای موسیقی کشور در سر داشت نگاهی تازه انداخت. اپرایی را که می‌خواست بسازد، کنسرواتوری را که می‌خواست بنا کند و از کسترهای بلندپایه‌ای را که

محسن جوادی معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس نمایشگاه کتاب مشکل را متوجه ناشران افغان کرده و گفته که «این دوستان از مبادی‌ای غیر از مبادی تعیین‌شده برای ورود کتاب‌های‌شان اقدام کرده‌اند و این مسیر متفاوت کار را طولانی کرده است.»

در این میان، رئیس نمایشگاه کتاب تهران از مذاکره با گمرک خبر داده و گفته که «مشکل هم بیشتر به مشکلات ساده اداری مثل کامل نبودن فرم‌ها و غیره بر می‌گردد که موضوعی جدی نیست و برطرف می‌شود. البته این مشکل، مربوط به نمایشگاه نیز نبوده است.»

از سوی دیگر، شادنی مسئول گمرک نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از عدم ترخیص کتاب‌ها در گمرک اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفته که ظاهراً ترخیص این محموله از کتاب‌های ناشران افغانستان به خاطر مسئله دیگری است.

به گفته این مقام نمایشگاه کتاب تهران، نامه‌نگاری‌های لازم با مسئولان اداره کل ارشاد انجام شده و «ما هم اطلاع نداریم که چرا این محموله ترخیص نشده است.» گویا در ایران امروز، انداختن مسئولیت هر موضوع و مشکلی به گردن نهادهای دیگر و همچنین اظهار بی‌اطلاعی درباره آنها به روش رایج مقامات و مسئولان تبدیل شده است!

بود «اگر جامعه بی‌اعتنایی کند و زنان و دختران فرهیخته، موضوع را جدی نگیرند و کسانی تصور نکنند احیاناً کار بزرگی در حال وقوع است، خود به خود چنین تحولاتی خنثی می‌شود!»

آذر منصوری معاون دبیرکل «حزب اتحاد ملت» و عضو «جمعیت زنان مسلمان نواندیش» که در دیدار با خاتمی نیز حضور داشت از منتقدین حجاب اجباری است که اواخر اسفندماه گذشته گفته بود «فقدان راهبرد در حوزه زنان در جریان اصلاحات کاملاً احساس می‌شود.» حال در حاشیه‌ی این دیدار باید پرسید که آیا در طول دو ماه گذشته اصلاح‌طلبان و حجت‌الاسلام محمد خاتمی در «حوزه زنان» دارای «راهبرد» شدند؟ یا اینکه «راهبرد»‌شان تحریف تاریخ و دروغ‌گویی درباره موقعیت زنان در دوران پهلوی و پیش از انقلاب است؟! در ذهن خود برای بنیادش اندیشه می‌کرد.

حالا ببینید در دوره‌های بعد به ویژه در دوره فرمانروایی ملایان چه بلایی بر سر فرهنگ موسیقی ایران آمده است. بجای همه کارگاه‌های هنری تا دلتان بخواهد مناره‌های مساجد بالا رفته است. بجای صدای موسیقی صوت ناهنجار آخوندها به گوش می‌رسد و به جای آموختن فن درخشان موسیقی به خواندن توضیح‌المسائل مشغولند.

تنها مگر جوانان این آب و خاک با مقایسه موسیقی دوره رضاشاه و موسیقی امروز دست هم‌تی به کمر بزنند و ملایان را یکسره از میان بردارند. شاید به طنز می‌ماند که کمال اتاتورک رهبر قدرقدرت ترکیه در برنامه تصفیه ملایان می‌خواست همه آنان را به دریا بریزد. به نظر می‌رسد که رضاشاه نیز چنین برنامه‌ای را در اندیشه خود داشت ولی شاید زمان چنین فرصتی را در اختیارش نگذاشت. بیهوده نیست که عبدالله جوادی آملی از مراجع تقلید بلندپایه قم با اشاره به وضعیت بحرانی کشور و نارضایتی‌های گسترده در جامعه اخیراً گفته است «اگر ملت قیام کند همه ما را به دریا خواهد ریخت!» رضاشاه را باید بهتر شناخت زیرا کاری را که او شاید می‌خواست بکند حالا به کمال آیت‌الله پس از چهل سال «جمهوری اسلامی» در ایران اعتراف می‌کند که «مردم» خواهند کرد!

حکیم احمدی‌نیاز: حکم اعدام رامین حسین پناهی سیاسی است



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

حکم اعدام رامین حسین پناهی که قرار بود ۳ ماه مه در زندان سنندج به اجرا گذاشته شود، در آخرین لحظات به تعویق افتاد.

وکیل رامین حسین احمدی واهمه دارد که هر لحظه این حکم بدون اطلاع قبلی به اجرا گذاشته شود.

کارزار گسترده در مناطق کردنشین ایران که دامنه آن به دیگر استان‌ها نیز رسیده و در خارج از مرزهای ایران نیز بازتاب قابل توجهی داشت، یکی از دلایل توقف اجرای این حکم است. اجرای حکم رامین حسین پناهی،

جوان ۲۲ ساله کرد که به اتهام عضویت در «حزب کومله کردستان ایران» در دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده است، در آخرین لحظه به تعویق افتاد. حسین احمدی‌نیاز که وکالت این پرونده را عهده‌دار است می‌گوید بر اساس قوانین جاری و حتا قوانین شرع نیز حکم رامین حسین پناهی نمی‌تواند اعدام باشد و این حکم سیاسی است. در روزهای گذشته شش‌مان، خواهرزاده ۲۵ ساله رامین حسین پناهی، که همسرش احمد نیز در رابطه با

همین پرونده در زندان است، در پیامد فشارهای نیروهای اطلاعاتی خودکشی کرد. دایه شریفه، مادر رامین نیز تهدید کرده است که در صورت اجرای حکم اعدام جوانترین پسرش در مرکز شهر سنندج دست به خودسوزی خواهد زد. افشین، یکی دیگر از برادران رامین هم در زندان است.

احمد رأفت در رابطه با آخرین تحولات این پرونده، با حسین احمدی‌نیاز، وکیل دادگستری در تهران، گفتگویی انجام داده است.



می‌زنند.

چرا برجام مرد؟

اول به این دلیل که توافقی نبود که منافع طرف‌ها را تامین کند. برجام نه متضمن منافع و امنیت ملی مردم ایران بود و نه متضمن منافع و امنیت ملی مردم آمریکا. در ایران مردم و رسانه‌ها حق ندارند در حوزه سیاست خارجی نظر بدهند و حتی در دوران بیعت نیز سیاست خارجی همه‌ی نامزدهای شورای نگهبان یکی است اما در ایالات متحده مردم نامزدی را انتخاب کردند که منافع و امنیت ملی آنها را تامین کند. طبیعی است که وقتی یک طرف در آن منفعتی نبیند از آن خارج می‌شود. دوم به این دلیل که این توافق هم مثل بسیاری از دستاوردهای اوباما بر اساس نظر و خواست رئیس دولت بدون توجه به نظر کنگره به پیش برده شده بود. اگر این توافق در کنگره به تصویب رسیده بود به این راحتی نمی‌شد آن را لغو کرد و البته اگر سر و کارش به کنگره می‌افتاد حتماً به انجام نمی‌رسید.

و سوم آنکه برجام هیچ ساز و کاری را برای کنترل برنامه‌های پیوسته به برنامه‌های اتمی مثل برنامه‌ی موشکی پیش‌بینی نکرده بود و همین نقائص مایه‌ی مرگ آن شده است. اروپایی‌ها نیز وقتی قرار باشد خود یا این قرارداد منافع و امنیت‌شان را تامین کنند و بر دوشک‌های جمهوری اسلامی به آنها برسد و تهدید شوند حتماً در آن تجدید نظر خواهند کرد.

براندازی موهبتی است که به مردم ایران تعلق دارد

فروش نفت رگ حیاتی جمهوری اسلامی است: تا فروش نفت ادامه دارد تروریسم، مداخلات خارجی، برنامه‌ی اتمی و دو ماشین سرکوب و تبلیغات حکومت ادامه حیات می‌دهند. درآمد نفتی کشور عمدتاً هزینه‌ی اینگونه امور می‌شود و نه رفاه حال مردم ایران. کسانی که از ادامه فروش نفت جمهوری اسلامی با مخالفت با تحریم‌ها دفاع می‌کنند از تزریق سالانه ده‌ها هزار میلیارد تومان به دیوان‌سالاری دینی و ده‌ها میلیارد دلار به دیوان‌سالاری نظامی رژیم دفاع می‌کنند. از عادی ساختن روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی تنها دیوان‌سالاری نظامی و امنیتی در کنار دیوان‌سالاری دینی بهره می‌برند و نه مردم عادی. سهم مردم عادی در هر شرایطی فقر و تورم و بیکاری و بعلاوه‌ی تحقیر و تبعیض هر روزه است. در حوزه‌ی سیر شدن شکم‌ها نیز رژیم مدعی خودکفایی گندم است. در این حال بود و نبود برجام چه تفاوتی به حال آنها می‌کند؟ اما نبود برجام کاست حکومتی را مورد تهدید قرار می‌دهد.

بلافاصله بعد از اعلام ترامپ مبنی بر خروج ایالات متحده از برجام، ترس‌موران و ضدامپریالیست‌ها شروع کردند به جنگ‌طلب خواندن مخالفان برجام و ترساندن مردم از جنگ و بمب و حرف‌های بی‌اساسی مانند اینکه: آمریکا نجات‌بخش مردم ایران نخواهد بود. ولی خروج ایالات متحده از برجام برای نجات مردم ایران نبوده است؛ برای مهار جمهوری اسلامی و کاهش مخاطرات امنیتی آن برای دنیاست که البته مردم ایران را نیز شامل می‌شود. مردم ایران بعد از خروج ایالات متحده از برجام نباید نگران حمله‌ی نظامی باشند چون سیاست ترامپ تغییر رژیم با حمله‌ی نظامی نیست؛ تغییر رژیم با کمک فشارهای اقتصادی خارجی انجام خواهد گرفت چون رگ حیاتی رژیم شیرهای نفت و گاز است. براندازی رژیم اسلامی مثل همیشه موهبتی است که به مردم ایران تعلق دارد.

اردک‌شل روحانی، آغاز فروپاشی سیاسی



در خاورمیانه دامن زد و جلوی آن را نگرفت. برجام تضمین‌کننده‌ی عدم دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای نیز نبوده و نیست. تنها خوش‌باوران و خوش‌خیالان با فتوای کسی که هر روز دروغ می‌گوید خام می‌شوند.

می‌گویند پایان برجام بر رنج ایرانیان خواهد افزود. مسئول رنج‌های مردم ایران حکومت آن و سیاست‌هایش است و نه خروج ایالات متحده از یک توافق.

مردم را در برابر غرب و پشت سر رژیم متحدتر خواهد کرد. قائلان به سیاست خشنودسازی جمهوری اسلامی چهار دهه است که این سخن بی‌اساس را تکرار می‌کنند که مخالفت دولت‌های خارجی با جمهوری اسلامی یا فشار بر آن مردم را پشت سر رژیم بسیج می‌کند اما تظاهرات سراسری دی‌ماه ۹۶ یک سال بعد از روی کار آمدن ترامپ این سخنان شبعده‌بازانه را باطل کرد.

می‌گویند برجام در جهت صلح در منطقه است. برجام در سه سال گذشته هیچ تأثیری بر ایجاد صلح و ثبات در منطقه، میانه‌روی حکومت، ورود جمهوری اسلامی به جامعه‌ی بین‌المللی، و پیشگیری از مسابقه‌ی سکوت کرده بودند. خروج ترامپ از برجام دهان آنها را باز کرده است. می‌گویند تنها روش حل مشکلات با ایران دیپلماسی و مذاکره است. رژیم ایران یک رژیم عادی نیست که مقابله با آن تنها با روش‌های دیپلماتیک ممکن باشد. تنها در سایه تهدید دائمی است که رژیم‌های یافی دست از یافیگری برمی‌دارند. راه حل نهایی نیز براندازی این رژیم‌هاست؛ نخست از راه‌های غیرخشنودآمیز و اگر ممکن نبود با واکنش به آنها در مواردی که دست به خشنودت

روال عادی‌اش ادامه پیدا کند. ممکن نیست رژیم سروسپی را که چهل میلیون نفر از آن استفاده می‌کنند فیلتر کند و هیچ پیامدی بدین واسطه گریبانش را نگیرد.

محاسبه سود - زیان تداوم رژیم

امروز تداوم رژیم نه به نفع ایالات متحده و متحدان اروپایی‌اش است، نه به نفع قدرت‌های منطقه‌ای مثل ترکیه و اسرائیل و عربستان سعودی است و نه به نفع همسایگان ایران (از پاکستان و افغانستان تا آذربایجان و کردهای عراقی). سه کشور اروپایی صرفاً از دیدگاه دفاع اقتصادی خود تداوم برجام بوده‌اند. زیان تداوم رژیم از سود تداوم آن بیشتر شده است. تداوم رژیم یافی در جهت هیچ یک از اهداف سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای نیست. حتی چین و روسیه نیز از سرنگونی رژیم ضروری را متحمل نخواهند شد که قابل جبران نباشد. جمهوری اسلامی دوست و هم‌پیمانی قابل اتکا ندارد. همراهان جمهوری اسلامی مثل حزب‌الله لبنان و رژیم اسد و حوثی‌ها تنها انگل‌های دلارهای نفتی ایرانند و نه هم‌پیمانان.

ترس‌های توهمی از پایان برجام

مخالفان تصمیم ترامپ می‌گویند خروج ایالات متحده از برجام باعث خواهد شد ایران نتواند به اقتصاد جهانی بپیوندد. اما چهار دهه از عمر این رژیم گذشته و رژیم هرگز در پی انجام چنین کاری نبوده است. از حرکت آن در چهار دهه گذشته می‌توان فهمید که در آینده نیز چنین عزمی وجود نخواهد داشت. پیوستن ایران به اقتصاد و جامعه‌ی جهانی هیچگاه در برنامه‌های جمهوری اسلامی نبوده است و گرنه به شیوه‌ی دیگری رفتار می‌کردند. می‌گویند برجام جلوی مسابقه‌ی تسلیحات اتمی در منطقه را گرفته و می‌گیرد. برجام با دادن امکان بلندپروازی‌های منطقه‌ای به جمهوری اسلامی به مسابقه‌ی تسلیحاتی از جمله تسلیحات اتمی

همانطور که بسیاری از اروپایی‌ها در برابر ارتش هیتلری می‌گریختند و با کمونیست‌های روسی هم در دوره‌ی پالوده می‌خوردند در این مورد نیز در کنار جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند اما پس از چندی وقتی قرار باشد حساب و کتاب‌هایشان را چک کنند حتی چپ‌ترین آنها در کنار ایالات متحده قرار خواهند گرفت. آنها وقتی در معرض تهدیدی قرار گیرند به یاد می‌آورند که باید به سراغ ناجی همیشگی بروند. غیر از آن مشخص نیست که دولت‌های اروپایی چگونه می‌خواهند منافع حاصل از داد و ستد با اقتصاد ۱۸۰۵ تریلیون دلاری ایالات متحده را با منافع اقتصادی ارتباط با اقتصاد ۴۰۰ میلیارد دلاری ایران تاخت بزنند.

از فروپاشی اجتماعی و اقتصادی تا فروپاشی سیاسی

فروپاشی اجتماعی ایران از اواسط دهه‌ی هشتاد آغاز شده و همچنان تداوم یافته است. آمار جرائم و حاشیه‌نشینی و کارتن‌خوابی و فقر و بیکاری چنین روندی را نشان می‌دهد. فروپاشی اقتصادی در دوران تحریم‌های نفتی کلید زده شد و حتی تزریق ۱۵۰ میلیارد دلار به حکومت توسط اوباما - به علت هزینه‌بر بودن مداخلات منطقه‌ای - نتوانست آن را به عقب بازگرداند. فساد، اتلاف و ناکارآمدی فراگیر و ساختاری شده است. دلار ۷۲۰۰ تومانی در کنار توقف طرح‌های عمرانی و تعطیلی کارخانه‌ها نشانه‌ی بسیار روشنی از فروپاشی اقتصادی هستند. وفادارترین مقامات حکومتی (مثل احمد جنتی) به وجود ایرانیانی که شب سر گرسنه بر زمین می‌گذارند اعتراف دارند. حکومت با چهل میلیون نانخور و حدود ۲۰۰ هزار مدیر رانتخوار حداکثر می‌تواند کشور را از این روز تقویمی به روز دیگر بکشاند. دو فرایند فروپاشی اجتماعی و اقتصادی، فرایند فروپاشی سیاسی رژیم را تقویت خواهند کرد. ممکن نیست یک چهارم جمعیت کشور در حلی‌آبادها و بیغوله‌ها (رژیم اسم اینها را گذاشته «بدمسکن») زندگی کند و سیاست آن کشور به

برای براندازی. البته ناراضیان ممکن است در شکل براندازی طرح‌های متفاوتی داشته باشند اما بسیار دشوار خواهد بود که دوباره بازگشته و از سیاست دلواپسان در حوزه‌ی خارجی و اصلاح‌طلبان ولایت‌محور در سیاست داخلی دفاع کنند. آنها دیگر نه گزینه‌ای دارند (برنامه‌ی توهمی اصلاح‌طلبانه در حوزه‌ی داخلی یا همان بدها) و نه امیدی (گشایش‌های اقتصادی وعده داده شده در حوزه‌ی خارجی).

مقامات جمهوری اسلامی تلاش کرده و خواهند کرد خروج ایالات متحده از برجام را رخدادی کم اهمیت جلوه دهند اما سرگیجه گرفتن آنها در سناریوهای واکنش به تصمیم ترامپ دقیقاً از دستپاچی آنها و گره خوردن برجام به شیشه‌ی عمر نظام حکایت دارد: از ماندن در برجام اروپایی (دیدگاه روحانی و وزارت خارجه) تا خروج از آن بی‌تی (دبیر شورای عالی امنیت ملی) و شکستن بتون نیروگاه اراک (رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس). اینها بر خلاف ادعای روحانی به معنای «امادگی در برابر همه‌ی سناریوها» است.

از سخنان و مواضع مقامات جمهوری اسلامی در برابر خروج ایالات متحده از برجام هم تهدید بود به چشم می‌خورد، هم دلسوزی برای منافع «شیطان بزرگ» و هم بی‌اهمیت یا کم‌اهمیت نشان دادن پیامدهای این اقدام: «ممکن است دو ماه یا سه ماه درگیر آن مشکل باشیم اما از آن عبور خواهیم کرد». (حسن روحانی، ایسنا ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) اینها را نیز باید در کنار دیگر وعده‌های مقامات مثل عدم فیلتر شدن شبکه‌های اجتماعی، رفع حصر، پایان گشت ارشاد و اشتغال قرار داد.

امید واهی به اروپایی‌ها

دولت‌های اروپایی ممکن است تلاشی برای تضعیف نظام انجام ندهند اما هنگامی که رژیم در سرازیری سقوط قرار گرفت نیز به داد آن نخواهند رسید. این فیلم را همه در تحولات لیبی دیده‌ایم.

● دو فرایند فروپاشی اجتماعی و اقتصادی، فرایند فروپاشی سیاسی رژیم را تقویت خواهند کرد. ممکن نیست یک چهارم جمعیت کشور در حلی‌آبادها و بیغوله‌ها (رژیم اسم اینها را گذاشته «بدمسکن») زندگی کند و سیاست آن کشور به روال عادی‌اش ادامه پیدا کند. ممکن نیست رژیم سروسپی را که چهل میلیون نفر از آن استفاده می‌کنند فیلتر کند و هیچ پیامدی بدین واسطه گریبانش را نگیرد.

● جمهوری اسلامی دوست و هم‌پیمانی قابل اتکا ندارد. همراهان جمهوری اسلامی مثل حزب‌الله لبنان و رژیم اسد و حوثی‌ها تنها انگل‌های دلارهای نفتی ایرانند و نه هم‌پیمانان ایران. برجام مرد چون توافقی نبود که منافع طرف‌ها را تامین کند. برجام نه متضمن منافع و امنیت ملی مردم ایران بود و نه متضمن منافع و امنیت ملی مردم آمریکا.

● مردم ایران بعد از خروج ایالات متحده از برجام نباید نگران حمله‌ی نظامی باشند چون سیاست ترامپ تغییر رژیم با حمله‌ی نظامی نیست؛ تغییر رژیم با کمک فشارهای اقتصادی خارجی انجام خواهد گرفت چون رگ حیاتی رژیم شیرهای نفت و گاز است. براندازی رژیم اسلامی مثل همیشه موهبتی است که به مردم ایران تعلق دارد.

مجید محمدی - اصلاح‌طلبان در دی ۹۶ به آخر خط وعده‌های توخالی و رژیم انتخاباتی «بد و بدتر» رسیدند.

آنها با قرار گرفتن در کنار ماشین سرکوب نشان دادند که وفاداری‌شان به ولی فقیه است و نه مخالفان و منتقدان وضعیت موجود. با پایان برجام (۱+۵) اعتدال‌گرایان (چپ و راست) نیز نمایش تنش‌زدایی قلابی‌شان را پایان یافته خواهند دید به ویژه وقتی تحریم‌های نفتی بازگردد. بدین ترتیب مهم‌ترین دستاورد روحانی با خروج ایالات متحده در حالت تعلیق قرار گرفت.

در سه سال آینده دولتی که ادعا می‌کند مطالبات مردم را نمایندگی می‌کند یک اردک شل خواهد بود بدون هیچ گونه سرمایه‌ی سیاسی. در طرف مقابل روحانی نیز احمدی نژاد و دوستان قرار دارند که در پی اهداف خود در براندازی نظام تعجیل دارند. به همین دلیل روحانی بعد از خروج ایالات متحده از برجام هیچ سخنی مبنی بر خروج ایران از این توافق نگفت. خامنه‌ای نیز که گفته بود در صورت پاره شدن برجام توسط ایالات متحده آن را آتش خواهد زد این تهدید توخالی را اجرا نخواهد کرد چون روحانی بدون هماهنگی با وی از برجام اروپایی دفاع نمی‌کرد.

پایان توافقی برجام و اصلاح‌طلبی به شکلی که آنها را می‌شناختیم، ناراضیان از سیاست داخلی و خارجی موجود در کشور را در یک صف قرار خواهد داد: گذر از بخش اعتدال‌گرا و اصلاح‌گرا و آماده شدن